

### عالمان دین در هرات

## مسجد جای تطبیق طرح عجولانه نیست



شماری از عالمان دین و آگاهان مسایل اسلامی در هرات، تصمیم وزارت معارف برای انتقال صنف‌های درسی از مکاتب به مساجد را اقدامی «عجولانه» و «شبهه» عنوان می‌کنند. از دید برخی عالمان دین، مسجد مکانی برای آموزش است، اما اجرای طرح اخیر وزارت معارف بدون فراهم کردن امکانات، پی‌آمد ناگواری دارد و می‌تواند زمینه تبلیغات منفی بر ضد دین را فراهم کند. به باور آنان، هرچند وزارت معارف طرح خود را «اسلامی» خوانده، اما هرگونه نتایج منفی احتمالی آن می‌تواند فاصله میان مردم و مسجد را بیش‌تر سازد. هم‌زمان با این، فعالان جامعه مدنی و شهروندان نیز تصریح می‌کنند که حکومت دو دهه در بخش معارف سرمایه‌گذاری کرده است و اکنون نباید مکاتب را با مساجد یکجا سازد. این در حالی است که برخی از سیاسیون نیز در برابر این طرح وزارت معارف واکنش نشان داده و آن را گیج‌کننده خوانده‌اند.

۳



## حکومت دست‌خوار ملی را پهن کرد

۳

### آیا ترور محسن فخری زاده می‌تواند عاملی برای افزایش تنش در خاورمیانه باشد؟

۴

### زندانیان طالبان با فشار امریکا آزاد می‌شوند

تصمیم رهایی زندانیان باقی‌مانده طالبان، نسبت به تصمیم دوره قبل دشوارتر خواهد بود. دلیل نخست آن است که دولت افغانستان به هیچ یکی از طرف‌ها تاکنون به رهایی کامل زندانیان طالبان تعهد نسپرده است. دلیل دوم آن است که تصمیم‌گیری در این باره به مشورت بیشتر بین غنی و عبدالله نیاز دارد که طبعاً این مشورت زمان‌گیر خواهد بود.

۴



### ازدواج اجباری در ۱۴ ساله‌گی؛ خبر استیغاب‌کننده و پندارنده

«به خدمت‌کار خوب نیاز داریم»



نمی‌شود نامش را تصمیم برای ازدواج گذاشت، بل باید گفت که همه حرف‌ها برای معامله نیلاب (اسم مستعار) ۱۴ ساله در بدل دو لک افغانی نهایی شده است. التماس‌های نیلاب فایده‌ای ندارد. کسی نه صدای او را می‌شنود و نه دلش به حال آن همه کودک‌های خاکستر شده در میان ازدواج اجباری می‌سوزد.

۷

### عبدالله: از شنیدن خبر انتقال صنف‌های ابتدایی به مساجد تا هنوز «گنگسم» که چه گپ شد



۸صبح، کابل: عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی به تصمیم وزارت معارف برای انتقال صنف‌های ابتدایی مکاتب به مساجد واکنش نشان داد. رییس شورای عالی مصالحه تأکید کرد که این تصمیم «کاملاً و از اساس نادرست» است و برای نادرستی آن نیز «دهها» دلیل وجود دارد. او که در نشست در کابل صحبت می‌کرد، گفت که از این تصمیم از طریق رسانه‌ها باخبر شده است و از شنیدن آن «تا به حال گنگسم هستم که چه گپ شد» عبدالله عبدالله که در نشست ملی صلح، رسانه‌ها و جامعه مدنی صحبت می‌کرد، از فعالان رسانه‌ای و جامعه مدنی خواست که او را در جریان جزئیات این خبر قرار دهد. رییس شورای عالی مصالحه ملی افزود که او تعهد محکم داده است که به کارهای روزمره حکومت مداخله نمی‌کند، اما تصمیم این چنینی کار روزمره حکومت نیست و یک تصمیم بزرگ است. به گفته رییس شورای عالی مصالحه ملی، پیش‌تر از آن معینیت تعلیمات اسلامی به «ریاست تبدیل و یا حذف شد» که به جای آن باید تقویت می‌شد. او احتمال داد که پس از تغییرات در معینیت

در مدارس وجود ندارد و «عالمان جید» فرزندانش را آموزشی دینی می‌دهند، اما تشویق می‌کنند که به مکتب بروند. او گفت که روزگاری مدارس در یک شرایط ویژه دارای امکانات بود، اما در حال حاضر حکومت برای این مدارس کمک‌های لازم را نکرده است. وزارت معارف دو روز پیش اعلام کرد که براساس برنامه این وزارت، صنف‌های اول تا سوم به مساجد منتقل می‌شود. وزارت معارف در خبرنامه‌های هدف آن را «جایگاه محوری» دادن به «اسلام» در نظام معارف خوانده است. در این خبرنامه وزارت معارف از حاشیه‌ای بودن اسلام در نظام معارف کشور نیز یادآوری و به نحوی انتقاد کرده است. پس از خبرساز شدن این برنامه، وزارت معارف تغییر موضع داد و اعلام کرد که این طرح برای ساحتی است که مکاتب ندارد. خبرنامه‌ای که نیز نشر شده بود از سوی وزارت معارف تصحیح شده است. او گفت که این موضوع روی همه‌گان تأثیر دارد و او از جایگاه شهروند به آن پرداخته است. عبدالله عبدالله ضمن تأکید بر اهمیت جایگاه «مدارس دینی و مساجد» گفت که امکانات لازم

### ۲۵۰ جریب زمین غصب‌شده متعلق به وزارت مهاجرین در کابل باز پس گرفته شد

۸صبح، کابل: مسوولان اداره ولایت کابل می‌گویند که ۲۵۰ جریب زمین دولتی در ولسوالی بگرامی که توسط «زورمندان» غصب شده بود، باز پس گرفته شده است. طبق اعلام دفتر والی کابل، این مقدار زمین براساس دستور مقام ولایت کابل و در چهارچوب برنامه میثاق امنیتی از چنگ غاصبان آزاد شده است. این زمین در منطقه «موموزی» ولسوالی بگرامی موقعیت داشته است. دفتر والی کابل می‌گوید که این زمین متعلق به وزارت امور مهاجرین بود و قرار است که برای مهاجران شهرک ساخته شود. طبق خبرنامه دفتر والی کابل، برخی از «زورمندان» قسمت‌هایی از این زمین را به صورت خودسر احاطه کرده بودند. دفتر والی کابل تأکید کرده است که ارزش زمین‌های غصب‌شده بیش از ۲۵۰ میلیون افغانی تخمین زده شده است.



آریانا افغان هوایی شرکت  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

انتقال مریضان با خدمات ویژه  
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time  
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

1333 07 790 03 (93) + @flyariana.com | 1333



#آریانا\_از\_شماست



## موش فساد را به «دسترخوان ملی» راه ندهید

حکومت روز گذشته اعلام کرد که «دسترخوان ملی» را در سراسر کشور گشوده است. مجلس نمایندگان با تطبیق این برنامه مخالفت است. با این حال، قرار است در مدت سه ماه برای ۴.۵ میلیون خانواده در سراسر کشور به ارزش چهارهزار افغانی مواد غذایی و بهداشتی توزیع شود. حکومت می‌گوید که این خانواده‌ها روزانه کم‌تر از ۱۵۰ افغانی درآمد دارند و اقتصاد آن‌ها در جریان شیوع کرونا آسیب دیده است.

بودجه برنامه «دسترخوان ملی» از سوی بانک جهانی تمویل می‌شود. تطبیق‌کننده این برنامه، وزارت احیا و انکشاف دهاست. بودجه مجموعی آن ۲۸۰ میلیون دالر اعلام شده است. نسبت به برنامه دسترخوان ملی چهار انتقاد جدی موجود است. انتقاد نخست این است که بودجه این برنامه از تنقیص بودجه ۱۷ پروژۀ توسعه‌ای به دست می‌آید. بودجه این پروژۀها سال گذشته هم‌زمان با شیوع کرونا تنقیص شد. مجموع پول تنقیص‌شده ۳۳۵ میلیون دالر اعلام شده است. با توجه به این‌که حکومت ۲۸۰ میلیون دالر را برای اجرای این برنامه اختصاص داده است، سرنوشت ۵۵ میلیون دالر دیگر ناروشن است. حکومت باید این موضوع را روشن کند.

انتقاد دوم این است که تاوان تنقیص بودجه ۱۷ پروژۀ توسعه‌ای و تعلیق این پروژۀها در مقایسه به بازدهی و سود برنامه «دسترخوان ملی» به مراتب سنگین‌تر است. برنامه «دسترخوان ملی» در یک نگاه کلی‌تر حیثیت پرستامول را دارد که درد گرسنگی را صرفاً برای مدت چند شبانه‌روز رفع خواهد کرد؛ اما نمی‌تواند پدیده گرسنگی را از ریشه نابود کند. استدلال دولت در این زمینه هم ضعیف است و بیش‌تر بُعد عاطفی قضیه را هدف قرار می‌دهد. در مقابل، اگر پروژۀهای مذکور که عمدتاً به بخش‌های حیاتی زنده‌گی مردم تعلق دارد، اجرایی شود، بازدهی بلندمدت خواهد داشت و گرسنگی را در ریشه هدف قرار خواهد داد. علاوه بر این، اجرای این پروژۀها به اشتغال‌زایی کمک می‌کند و میزان بهره‌وری مردم را در آینده از آن بلند می‌برد.

سومین انتقاد این است که سرنوشت پروژۀهای توسعه‌ای در سال جدید مالی به درستی روشن نیست. حکومت قبلاً گفته بود که بودجه تنقیص‌شده ۱۷ پروژۀ را در سال مالی ۱۴۰۰ به آن‌ها برمی‌گرداند. طبق معلوماتی که تاکنون از پیش‌نویس بودجه ملی سال مالی ۱۴۰۰ در دست است، سرنوشت این پروژۀها مشخص نیست. از این رو، تعلیق پروژۀهای توسعه‌ای به منظور مبارزه یک هفته‌ای و کم‌تر از آن با گرسنگی، نه سنجیده‌شده است و نه معقول به نظر می‌رسد.

فرجامین انتقاد آن است که موش فساد در تمام ادارات دولتی لانه کرده است و تردیدی نیست که این موش به «دسترخوان ملی» نیز دندان بزند. در نخستین ماه‌های شیوع کرونا در کشور ثابت شد که موش فساد آن قدر بی‌چشم و رو است که حتا به جنازه بیماران کرونایی هم رحم نکرده است. سراسیمه‌گی حکومت برای مدیریت موج نخست کرونا باعث شده بود تا بودجه اختصاصی کرونا در سطوح مختلف به صورت کاملاً بی‌رحمانه مورد دست‌برد قرار گیرد. این فساد در تمام بخش‌ها از خرید وسایل طبی گرفته تا توزیع گندم و نان خشک به مردم وجود داشت. به دلیل همین فساد، بخش قابل توجهی از بودجه کرونا حیف و میل شد و به مردم نرسید.

حکومت با وجود این انتقادات، «دسترخوان ملی» را گشوده است. مخالفت مجلس نمایندگان، جلودار حکومت در اجرای این برنامه نشد. صرف نظر از این‌که کارآمدی «دسترخوان ملی» زیر سوال است، این توقع مردم که جلو نفوذ موش فساد به این دسترخوان گرفته شود، جدی و به حق است. جدایی از این‌که سرنوشت ۵۵ میلیون دالر از بودجه تنقیص‌شده پروژۀهای توسعه‌ای روشن نیست، اختصاص ۲۸۰ میلیون دالر به این برنامه پول کمی نیست. انتظار می‌رود که مقامات مسوول طی شش ماه گذشته که از زمان افتتاح این برنامه سپری شده است، تمام منافذ فساد را به روی این برنامه بسته باشند. هرگاه این بار نیز این پول حیف‌ومیل شود، طراحان برنامه و مجریان آن یک‌سان در برابر قانون پاسخ‌گو خواهند بود.

البته می‌دانیم که سازوکار حکومت برای جلوگیری از نفوذ موش فساد به «دسترخوان ملی» ضعیف است. فهرست خانواده‌هایی که مستحق شناسایی شده‌اند تا هنوز عمومی نشده است. ترس آن است که این پول‌ها به جیب خانواده‌های خیالی نرود. هم‌چنان نظارت از روند توزیع کمک‌ها برعهده نهادهای مدنی و رسانه‌ها گذاشته شده است. روشن است که این نهادها به روستاهای دورافتاده دسترسی ندارند و نمی‌توانند صدای تمام ۴.۵ میلیون خانواده باشند. در روستاهای دورافتاده، ملک‌ها، موی‌سفیدان، ملاها و زورمندان محلی تصمیم‌گیرنده اصلی هستند. از این رو تردیدی نیست که دست بسیاری از خانواده‌های گرسنه از این کمک‌ها کوتاه است. این‌ها مجموعاً تردیدها و تشویش‌هایی است که نسبت به برنامه «دسترخوان ملی» موجود است. با این وصف، توقع می‌رود که برنامه مذکور به یک «جوک» دیگر در تاریخ کشور تبدیل نشود.

## رییس شورای عالی مصالحه ملی: بحث روی اجندای اصلی مذاکرات به زودی آغاز می‌شود



**۸صبح، کابل:** عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، می‌گوید که بحث روی «اجندای اصلی» مذاکرات صلح به زودی و به صورت جدی آغاز می‌شود.

رییس شورای عالی مصالحه ملی که روز سه‌شنبه، هژدهم قوس در نشست زیر عنوان صلح، رسانه‌ها و جامعه مدنی، سخن می‌گفت، تأکید کرد که بحث روی اجندای اصلی مذاکرات در روزهای آینده شروع می‌شود. عبدالله گفت که پس از نهای شدن کارشیوهی مذاکرات هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان در مورد اجندای اصلی گفت‌وگو کرده‌اند.

به گفته عبدالله، انتظار و امید مردم افغانستان این است که نتیجه‌ی این بحث‌ها منجر به صلح با عزت و پایدار در کشور شود.

او هرچند درباره «اجندای اصلی مذاکرات» جزئیات بیشتر نداد، اما گفت که در برابر مردم احساس مسوولیت می‌کند و خواست شهروندان در اجندای صلح گنجانیده خواهد شد. از جانب دیگر عبدالله عبدالله تشدید و ادامه جنگ و صحبت از صلح را برای مردم سوال‌برانگیز خواند و تأکید کرد که مردم حق دارند، نگران باشند.

او افزود که برای ادامه مذاکرات انعطاف لازم را نشان داده است و توقع می‌رود که طالبان نیز یک گام بزرگ را بردارد.

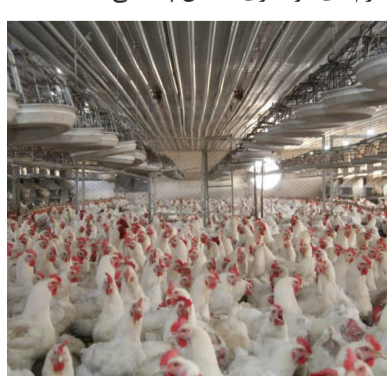
رییس شورای عالی مصالحه ملی گفت: «صلح تنها یک بحث سیاسی نیست، چون با سرنوشت هر فرد این کشور ارتباط دارد و تأثیرگذار است. سال‌های زیادی است که در این موارد بحث شده، اما حالا یک فرصت واقعی به وجود آمده که استفاده از این فرصت مسوولیت هر دو جانب است.»

عبدالله کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی را مرجع تصمیم‌گیری در باره‌ی مذاکرات توصیف کرد و گفت که تصمیم این نهاد بر اساس دیدگاه‌ها و خواست‌های حق شهروندان خواهد بود. این کمیته اوایل هفته جاری به کارش آغاز کرد.

به گفته عبدالله، شورای عالی مصالحه‌ی ملی در نتیجه توافق سیاسی تشکیل شد، اما یک

## سالانه حدود ۲۱.۴ میلیون جوجه مرغ در بلخ تولید می‌شود

**۸صبح، کابل:** ریاست زراعت، آبیاری و مالداری ولایت بلخ اعلام کرده است که سالانه حدود ۲۱ میلیون و ۴۵۰ هزار جوجه مرغ گوشتی در این ولایت تولید می‌شود. وزارت زراعت در خبرنامه‌ای به نقل از سالم ساعی، رییس زراعت بلخ نوشته است که پرورش مرغ‌های تخم‌گذار و گوشتی از مهم‌ترین صنعت مرغداری در بلخ است. این خبرنامه روز سه‌شنبه، هژدهم قوس نشر شد. به گفته ساعی، این صنعت طی پنج سال اخیر در نتیجه همکاری‌ها و حمایت‌های وزارت زراعت رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. رییس زراعت بلخ می‌گوید که تاکنون در بخش مرغداری در این ولایت بیش از ۱۵ میلیون دالر سرمایه‌گذاری شده است. هم‌چنان بیش از یک‌هزار فارم مرغداری بزرگ و کوچک در ولایت بلخ فعالیت دارند و روزانه حدود ۱۵ تن کیلوگرام گوشت مرغ وارد بازار می‌شود.



سالم ساعی گفته است که سالانه حدود بیست میلیون بیضه تخم مرغ نیز در این ولایت تولید می‌شود که بخشی از جوجه‌های مرغ جهت تولید گوشت، توسط فارمداران از کشورهای پاکستان، ایران و اوزبیکستان وارد می‌شود. ساعی می‌افزاید که فارم‌های مرغداری بلخ، نیازمندی‌های مارکیت این ولایت به گوشت مرغ را تأمین می‌کنند و در عین حال، گوشت مرغ از بلخ به ولایات هم‌جوار نیز صادر می‌شود. وزارت زراعت به نقل از مرغداران نوشته است که به دلیل بلند بودن قیمت استفاده از برق و هم‌چنین دسترسی نداشتن به برنامه‌های سب‌سایدی، در فصل سرما میزان تولید فارم‌های مرغداری کاهش پیدا می‌کند.

تولید گوشت، توسط فارمداران از کشورهای پاکستان، ایران و اوزبیکستان وارد می‌شود. ساعی می‌افزاید که فارم‌های مرغداری بلخ، نیازمندی‌های مارکیت این ولایت به گوشت مرغ را تأمین می‌کنند و در عین حال، گوشت مرغ از بلخ به ولایات هم‌جوار نیز صادر می‌شود. وزارت زراعت به نقل از مرغداران نوشته است که به دلیل بلند بودن قیمت استفاده از برق و هم‌چنین دسترسی نداشتن به برنامه‌های سب‌سایدی، در فصل سرما میزان تولید فارم‌های مرغداری کاهش پیدا می‌کند.

یونیسف:

## مزایای بازنگهداشتن مکاتب، بهتر از هزینه بستن آن‌ها است



**۸صبح، کابل:** صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) طی اعلامیه‌ای از اقدامات دولت‌ها برای بستن زودهنگام مکاتب به هدف جلوگیری از شیوع کرونا انتقاد کرده است. یونیسف نتیجه‌گیری کرده که مزایای بازنگهداشتن مکاتب، بیش‌تر از هزینه بستن آن‌ها است.

در اعلامیه این نهاد که روز سه‌شنبه، هژدهم قوس، نشر شد، تأکید شده است که بستن مکاتب و نهادهای آموزشی، به «یادگیری و رفاه» آسیب می‌زند و شمار کودکان متأثر از بسته شدن مکاتب را افزایش می‌دهد. طبق معلومات یونیسف، در نتیجه، ۷.۵ میلیون کودک در افغانستان در کنار ۳.۷ میلیون دیگر که از رفتن به مکتب محروم بودند، فرصت آموزش را از دست می‌دهند.

این در حالی است که موج دوم ویروس کرونا در کشور شیوع یافته و همه نهادهای آموزشی در ساحات سردسیر تعطیل شده است. در جریان شیوع موج اول ویروس کرونا مراکز آموزشی برای حدود پنج ماه تعطیل بود.

با این حال، صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) از دولت‌ها خواسته است که بازگشایی مکاتب را در اولویت کاری خود قرار دهند. در اعلامیه یونیسف آمده است که دولت‌ها باید همه اقدامات مقتضی را برای مصون‌سازی هرچه بیش‌تر صنف‌ها و پیش‌گیری از بسته شدن دوباره مکاتب، در دستور کار قرار دهند.

طبق یافته‌های یونیسف، شمار دانش‌آموزان متأثر از بسته شدن مکاتب به دلیل شیوع کرونا در ماه نومبر (عقرب) ۳۸٪ افزایش یافته که صدمات فراوانی را به پیش‌رفت در یادگیری و رفاه ۹۰ میلیون دانش‌آموز دیگر در سطح جهان وارد کرده است.

در اعلامیه یونیسف به اطلاعات یونسکو استناد شده است. طبق این اطلاعات، از اول دسامبر امسال، صنف‌های درسی برای یک نفر از هر پنج دانش‌آموز در سطح جهان که حدود ۳۲۰ میلیون نفر را تشکیل می‌داد، بسته بوده است. رابرت جنکینز، رییس جهانی بخش آموزش یونیسف، گفته است که با وجود همه چیزهایی که درباره کرونا، نقش مکاتب در انتقال آن و اقدامات مناسب برای مصون نگه‌داشتن کودکان آموخته شده، باز هم مسیر حرکت‌ها نادرست است. به گفته او، شواهد نشان می‌دهد که مکاتب عامل اصلی همه‌گیری کرونا نیست، اما دولت‌ها بار دیگر بسته شدن مکاتب را به جای آخرین راه حل، به عنوان نخستین راهکار اجرایی می‌کنند.

رییس جهانی بخش آموزش یونیسف نسبت به پی‌آمدهای ویران‌گر این اقدام که بر یادگیری، سلامت ذهنی، جسمی و مصونیت کودکان می‌گذارد، هشدار داده است.

هم‌چنان در اعلامیه یونیسف آمده است که با بسته شدن مکاتب، خطر محروم شدن از آموزش و از دست رفتن سیستم حمایتی، مصونیت و غذا برای کودکان در کمین است. یونیسف می‌گوید که مطالعه جهانی که در ۱۹۱ کشور انجام شده، نشان می‌دهد که هیچ پیوندی میان بازشدن مکتب و میزان ابتلا به کرونا وجود ندارد. این نهاد در پایان تأکید کرده است که برنامه‌های بازگشایی مکاتب باید در برگیرنده افزایش دسترسی به تعلیم از جمله آموزش از راه دور باشد.

دسترخوان ملی، پس از پنج ماه تأخیر پهن شد. روند توزیع کمک‌های این برنامه در سراسر کشور آغاز شده است. مسوولان می‌گویند که قرار است این کمک‌ها تا سه ماه آینده برای همه خانواده‌های نیازمند در کشور توزیع شود. دلیل تأخیر در عملی کردن این طرح، مشکلات امنیتی، دور بودن برخی از ولایت‌ها و تکمیل نبودن فهرست نیازمندان خوانده شده است. هم‌زمان با آغاز روند اجرایی این طرح، اعضای مجلس نماینده‌گان معتقد اند که تطبیق برنامه دسترخوان ملی نمی‌تواند گره مشکلات مردم را باز کند؛ زیرا به باور آن‌ها، ممکن است افراد استفاده‌جو در این روند دخالت کنند و کمک‌ها به شکل شفاف به خانواده‌های نیازمند نرسد. حکومت اما می‌گوید که برنامه دسترخوان ملی از طریق شوراها تطبیق می‌شود و جامعه مدنی و مردم بر توزیع این کمک‌ها نظارت می‌کنند. قرار است با تطبیق این برنامه، به ارزش ۲۸۰ میلیون دالر مواد غذایی برای حدود پنج میلیون خانواده توزیع شود.

با وجود انتقادات در مورد برنامه «دسترخوان ملی» و مخالفت مجلس نماینده‌گان، حکومت روند توزیع کمک‌ها را روز سه‌شنبه، هژدهم قوس، در همه ولایت‌ها آغاز کرد. این برنامه در بیست‌ونهم سرطان سال روان گشایش یافت، اما دلایلی از جمله ناامنی، دوری مناطق مورد نظر و تکمیل نبودن فهرست خانواده‌های نیازمند سبب شد که روند تطبیق آن با پنج ماه تأخیر شروع شود. فریدون اژند، سخنگوی وزارت احیا و انکشاف دهات، روز سه‌شنبه، هژدهم قوس، به روزنامه ۸صبح گفت که این روند به دلیل تکمیل نبودن فهرست خانواده‌های نیازمند با تأخیر روبه‌رو شده بود. او ناامنی و دور بودن برخی از ولایات را از دیگر دلایل تأخیر عنوان کرد. آقای اژند اما تصریح کرد که اکنون فهرست نیازمندان تکمیل شده و قرار است برای نزدیک به پنج میلیون خانواده مواد غذایی شامل آرد، برنج، روغن، لوبیا، نخود و صابون توزیع شود.

سخنگوی وزارت احیا و انکشاف دهات گفت که این وزارت اولین مرحله توزیع کمک‌ها را به کمک شهروندان روز سه‌شنبه از ننگرهار آغاز کرد و در آن برای ۲۰۰ خانواده بسته‌های کمکی مواد غذایی توزیع شد. او افزود که برای این شمار از خانواده‌ها، مواد غذایی خریداری شده و قرار است تا پایان روز چهارشنبه توزیع شود. در همین حال، آقای اژند دخالت مستقیم وزارت احیا و انکشاف دهات در روند توزیع کمک‌ها را رد کرد و گفت که این وزارت در قسمت خریداری و نظارت همکار است، زیرا توزیع کمک‌ها

# حکومت دسترخوان ملی را پهن کرد



عبدالاحمد حسینی

حکومت اما در واکنش به تنقیص بودجه پروژه‌ها گفت که وجوه این پروژه‌ها «غیراختیاری» است. به گفته مسوولان حکومتی، ۱۵۵ میلیون دالر بودجه برنامه دسترخوان ملی سهم اداره انکشاف بین‌المللی و ۱۲۵ میلیون دالر دیگر از صندوق بازسازی افغانستان در نظر گرفته شده است. وزارت مالیه نیز تصریح کرده است که بودجه پروژه‌های تنقیص شده را در سال مالی جدید جبران می‌کند. اکنون اما مجلس در مورد این تعهد وزارت مالیه تردید دارد.

توسط شوراهاى انکشافى و مردم صورت مى‌گیرد. به گفته سخنگوى وزارت احيا و انکشاف دهات، در مرحله اول این برنامه بسته‌های مواد غذایی به ارزش ۸۶ میلیون دالر در ۱۲۳ ولسوالی و ۱۲ هزار و ۸۹۶ هزار قریه توزیع می‌شود. به همین ترتیب او گفت که در مرحله دوم، تلاش می‌شود تا برنامه دسترخوان ملی در ۳۴ ولایت، ۲۳۵ ولسوالی و ۲۱ هزار و ۸۴۲ قریه تطبیق شود. در این جریان برای ۲۰۵ میلیون خانواده کمک‌های مواد غذایی توزیع می‌شود و ارزش آن ۱۵۸ میلیون دالر است. براساس معلومات وزارت احیا و انکشاف دهات، تلاش‌ها ادامه دارد که الی سه ماه آینده همه ولایت‌ها زیر پوشش این برنامه قرار گیرند و کمک‌ها برای تمامی خانواده‌های نیازمند توزیع شود.

دفتر معاونیت معاون اول ریاست جمهوری نیز می‌گوید که این روند در سایر ولایت‌ها نیز آغاز شده است.به گفته مسوولان در این نهاد، وزارت احیا و انکشاف دهات مسوولیت اجرای این برنامه در سطح روستاها را بر عهده دارد. بدین ترتیب شوراهاى مردمى در کشور این روند را تطبیق خواهند کرد. برای مرحله اول برنامه دسترخوان ملی ۱،۸۵ میلیون خانواده تثبیت شده است. ۹۰ درصد از خانواده‌ها که ۱،۶۸ میلیون خانواده را تشکیل می‌دهد، قرار است این کمک‌ها را دریافت کنند. در مرحله دوم نیز ۲،۷ میلیون خانواده تثبیت شده است که ۹۰ درصدشان (۲،۵ میلیون خانواده) از آن مستفید می‌شوند. بر اساس معلومات معاونیت اول ریاست جمهوری، مراحل آگاهی‌دهی، معلومات کلی در مورد قریه‌ها، تعیین

## عالمان دین در هرات:

# مسجد جای تطبیق طرح عجولانه نیست

۸صبح، هرات

شماری از عالمان دین و آگاهان مسایل اسلامی در هرات، تصمیم وزارت معارف برای انتقال صنف‌های درسی از مکاتب به مساجد را اقدامی «عجولانه» و «اشتباه» عنوان می‌کنند. از دید برخی عالمان دین، مسجد مکانی برای آموزش است، اما اجرای طرح اخیر وزارت معارف بدون فراهم کردن امکانات، پی‌آمد ناگواری دارد و می‌تواند زمینه تبلیغات منفی بر ضد دین را فراهم کند. به باور آنان، هرچند وزارت معارف طرح خود را «اسلامی» خوانده، اما هرگونه نتایج منفی احتمالی آن می‌تواند فاصله میان مردم و مسجد را بیش‌تر سازد. هم‌زمان با این، فعالان جامعه مدنی و شهروندان نیز تصریح می‌کنند که حکومت دو دهه در بخش معارف سرمایه‌گذاری کرده است و اکنون نباید مکاتب را با مساجد یکجا سازد. این در حالی است که برخی از سیاستپون نیز در برابر این طرح وزارت معارف واکنش نشان داده و آن را گیج‌کننده خوانده‌اند.

به دنبال اعلام طرح انتقال صنف‌های اول تا سوم مکاتب دولتی به مساجد، این اقدام با انتقادهایی روبه‌رو شده است. برخی از عالمان دین در هرات طرح وزارت معارف طرح را «عجولانه» می‌خوانند. عبدالخالق حقانی، رییس ارشاد، حج و اوقاف هرات، می‌گوید که طرح وزارت معارف «اشتباه» است و عالمان دین آن را تأیید نمی‌کنند. او افزود که این طرح «ناسنجیده» بوده و بدون در نظر گرفتن زمینه اجرایی آن، روی دست گرفته شده است. به گفته آقای حقانی، هرچند در ظاهر مردم این اقدام مسوولان را اتکا بر دین می‌خوانند، اما این کار در واقع «تبلیغ غیرمستقیم علیه اسلام» است.

افزون بر این، برخی دیگر از عالمان دین نیز به طرح وزارت معارف رای منفی داده‌اند. سیدمحمد شیرزادی، رییس پیشین حج و اوقاف هرات، روز دوشنبه، هفدهم قوس، در صفحه فیس‌بوکش نوشت: «با کمال تأسف من هم می‌گویم و اعتراف می‌کنم که شیوه تدریس اطفال در خیلی از مساجد، شیوه کار، مفید و موثر نیست و این هم علل و دلایل خودش را دارد.» وی هرچند مساجد را محلی خوب برای انجام عبادت، تعلیم، شورا و رسیده‌گی به قضایای مهم جامعه اسلامی خوانده، اما تصمیم وزارت معارف را «عجولانه» دانسته است. آقای شیرزادی نوشته



این کمک‌ها ۲۸۰ میلیون دالر بودجه اختصاص داده بود، اما ۳۳۵ میلیون دالر از بودجه پروژه‌ها تنقیص کرده که از این میان، سرنوشت ۵۵ میلیون دالر آن هنوز معلوم نیست. پیش‌تر حکومت در گزارشی به مجلس گفته بود که بودجه پروژه‌های برنامه ملی باغداری و ماللداری، ریفورم مصارف و عمل‌کرد مالی، پروژه احیا و انکشاف سیستم آبیاری در افغانستان، واحد پلان‌گذاری و ارتقای ظرفیت شرکت برشنا، توسعه و بهبود سیستم ترانسپورت شهری، پروژه اتصال سرک هندوکش-دوشی-بامیان، پروژه انکشاف شهری افغانستان، وجوه انکشافی برای مشارکت عامه و خصوصی، برنامه اصلاح کیفیت معارف در افغانستان، احداث ذخایر استراتژیک غله‌جات، سرمایه‌گذاری شهری، عصری‌سازی بانک‌های دولتی، سیستم اداری زمین‌های افغانستان، برنامه اشتغال‌زایی، پروژه تغییر و برنامه اولویت ملی توانمندسازی اقتصادی زنان را تنقیص و به برنامه دسترخوان ملی انتقال داده است.

حکومت اما در واکنش به تنقیص بودجه پروژه‌ها گفت که وجوه این پروژه‌ها «غیراختیاری» است. به گفته مسوولان حکومتی، ۱۵۵ میلیون دالر بودجه برنامه دسترخوان ملی سهم اداره انکشاف بین‌المللی و ۱۲۵ میلیون دالر دیگر از صندوق بازسازی افغانستان در نظر گرفته شده است. وزارت مالیه نیز تصریح کرده است که بودجه پروژه‌های تنقیص شده را در سال مالی جدید جبران می‌کند. اکنون اما مجلس در مورد این تعهد وزارت مالیه تردید دارد. میرافغان صافی، رییس کمیسیون مالی و بودجه مجلس نماینده‌گان، به ۸صبح گفت که هنوز چگونه‌گی گنجاندن بودجه این پروژه‌ها در سند مالی سال ۱۴۰۰ روشن نیست. او هرچند گفت که با توزیع این کمک‌ها مخالف نیست، اما تصریح کرد که حکومت بدون توجه به واکنش‌ها و مخالفت‌های مجلس نماینده‌گان، این برنامه را روی دست گرفته است.

گفتنی است که پس از شیوع ویروس کرونا و قرنطین شدن شهرها، شهروندان کشور با مشکلات اقتصادی زیادی مواجه شدند. حکومت برای حل این معضل، طرح توزیع گندم و نان خشک را روی دست گرفت، اما این کمک‌ها برای شهروندان موثر واقع نشد و بیش‌تر مردم از شیوه تطبیق و فساد در آن شکایت داشتند.

روند توزیع کمک‌ها در حالی شروع می‌شود که بارش برف و باران در برخی از نقاط کشور هم اکنون آغاز شده است.

به مسجد، سبب سردرگمی بزرگی میان آموزگاران شده و بسیاری از مدیران مکاتب‌ها، آموزگاران و خانواده‌ها در این مورد معلومات کافی ندارند و باید برای‌شان در پیوند به این مسأله وضاحت داده شود.

با این وجود، یکی دیگر از نگرانی‌های مهم در پیوند به انتقال صنف‌های درسی از مکتب به مسجد، احتمال لت‌وکوب و خشونت در برابر دانش‌آموزان از سوی آموزگاران مسجدها است؛ مسأله‌ای که دفتر حوزه‌ای کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات نیز نگرانش است. میرویس امینی، سرپرست دفتر حوزه‌ای این نهاد در هرات، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که موارد گوناگون از رفتار «خشونت‌آمیز و غیرانسانی» آموزگاران غیررسمی مساجد با کودکان، در کمیسیون مستقل حقوق بشر به ثبت رسیده، اما آمار دقیقی در این مورد وجود ندارد. به گفته او، در برخی مساجد و مراکز علوم دینی لت‌وکوب، توهین، تحقیر و آموزش علوم با روش‌های سخت‌گیرانه قدیمی وجود دارد و از دید آموزگاران کار گرفتن از خشونت، بهترین روش برای تدریس به دانش‌آموزان است.

این در حالی است که برخی سیاست‌گران و چهره‌های مشهور کشور نیز در پیوند به طرح جدید وزارت معارف واکنش نشان داده‌اند. عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، در واکنش به این مسأله تأکید دارد که این تصمیم «کاملاً و از اساس نادرست» است و برای نادرستی آن نیز «ده‌ها» دلیل وجود دارد. او که روز سه‌شنبه، هژدهم قوس، در نشستى در کابل صحبت می‌کرد، گفت که از این تصمیم از طریق رسانه‌ها باخبر شده است و از شنیدن آن گیج شده است. فرهاد دریا، آوازخوان، در نامه‌ای سرگشاده به رییس جمهور، از او خواسته است که در تصمیم انتقال صنف‌های ابتدایی مکاتب به مساجد تجدید نظر کند.

وزارت معارف چند روز پیش اعلام کرد که براساس برنامه این وزارت، صنف‌های اول تا سوم به مساجد منتقل می‌شود. این وزارت در خبرنامه‌ای هدف آن را «جایگاه محوری» دادن به «اسلام» در نظام معارف خوانده است. هم‌چنان در خبرنامه وزارت معارف «حاشیه‌ای بودن اسلام» در نظام معارف کشور یادآوری و به نحوی انتقاد شده است. طی روزهای اخیر این طرح با واکنش‌های گسترده روبه‌رو شده است. ارگ ریاست جمهوری نیز می‌گوید که از آن برداشت نادرست شده است. پس از خبرساز شدن این برنامه، وزارت معارف تغییر موضع داد و اعلام کرد که طرح برای مناطقی است که مکتب ندارند.

درسی از مکتب‌ها به مساجد شود. از دید آنان، در جریان سال‌های اخیر پول‌های هنگفتی برای معیاری‌سازی «نظام معارف» در کشور مصرف شده و انتقال صنف‌های اول تا سوم مکاتب دولتی به مساجد، عقب‌گرد به گذشته و نظام قدیمی معارف است. جواد عمید، از فعالان مدنی هرات، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که کنش‌گران مدنی نگرانی‌های بسیار مهم در مورد طرح انتقال مکاتب به مساجد دارند و از رییس جمهور غنی می‌خواهند تا اجازه ندهد که این طرح از سوی وزارت معارف عملی شود.

برخی از مادران نیز پیرامون تطبیق این طرح ابراز نگرانی می‌کنند. جمیله عظیمی، دانش‌آموخته شرعیات و از وکلای مدافع در هرات، از مادرانی است که نگران اجرایی شدن طرح وزارت معارف می‌باشد. او که کودک خردسالش دانش‌آموز صنف سوم مکتب است، طرح وزارت معارف را «خام و نامعقول» می‌داند. یکی از نگرانی‌های مهم خانواده‌ها در پیوند به طرح انتقال صنف‌های اول تا سوم مکاتب دولتی به مساجد، نبود زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی مناسب در مساجد است. الهه ساحل، دیگر مادری که دو فرزندش در یکی از مکاتب‌ها در هرات درس می‌خواند، طرح وزارت معارف را «مزخرف‌ترین طرح سال» می‌نامد. او می‌گوید: «بعد از ۱۹ سال سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش معارف، امروز حکومت افغانستان می‌خواهد مساجد را به مکتب تبدیل کند؛ آیا این برای حکومت شرم نیست؟» خانم ساحل پافشاری دارد که مادران اجازه نمی‌دهند چنین طرحی عملی گردد و با آینده فرزندان‌شان بازی شود.

آموزگاران صنف‌های ابتدایی مکاتب نیز تأکید دارند که صنف‌های اول تا سوم تهداب اساسی آموزش دوران مکتب هستند و اگر دانش‌آموزان با روش‌های معیاری و نوین آموزشی، درس‌های دوره ابتدایی را یاد نگیرند، تمام دوران تحصیل‌شان با مشکل مواجه خواهد شد. شکرپه یوسفی، از آموزگاران صنف سوم دوره ابتدایی در هرات، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که روش تدریس برای کودکان در صنف‌های اول تا سوم تغییرات چشم‌گیری پیدا کرده و روش‌های قدیمی چند سال پیش، در شرایط کنونی کارایی لازم را ندارد. به گفته او، نشر اطلاعیه وزارت معارف مبنی بر انتقال صنف‌های درسی از مکتب



خلیل اسیر

طبق توافق نامه امریکا و طالبان، زمان رهایی هفت‌هزار زندانی باقی‌مانده گروه طالبان از بند دولت افغانستان فرا رسیده است. پیش از این دولت افغانستان شش‌هزار و صد زندانی این گروه را از بند آزاد کرده است. به گفته دولت، ۴۰۰ تن آن‌ها «خطرناک» بودند. این گروه خطرناک از زندانیان با تصمیم لویه‌جرگه مشورتی صلح از بند رها شدند. حدود هفت هزار زندانی دیگر طالبان تاکنون در بند دولت به سر می‌برند. رقم مجموعی زندانیان این گروه در نزد دولت تا پیش از شروع اولین مرحله از روند رهایی و تبادل زندانیان بین دو طرف، حدود ۱۳ هزار تن اعلام شده بود. رهایی و تبادل پنج‌هزار زندانی طالبان در ازای یک‌هزار زندانی نیروهای دولتی، بخشی از توافق‌نامه امریکا و طالبان بود که در دهم حوت پارسال بین دو طرف به امضا رسید. هدف از رهایی و تبادل این شمار از زندانیان، اعتمادسازی بین دولت افغانستان و گروه طالبان به منظور شروع مذاکرات صلح عنوان شده بود. دولت بعدتر اعلام کرد که به خاطر حسن نیت و شروع مذاکرات، حدود یک‌هزار زندانی دیگر گروه طالبان را نیز از بند رها کرده است. صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری در ۲۲ میزان، رسماً تأیید کرد که شش‌هزار و صد زندانی طالبان از بند دولت رها شده‌اند. در توافق‌نامه امریکا و طالبان تصریح شده است که زندانیان باقی‌مانده گروه طالبان سه ماه پس از رهایی پنج‌هزار زندانی این گروه از بند دولت افغانستان آزاد می‌شوند. امریکا گفته است که به این هدف متعهد است.

## زندانیان طالبان با فشار امریکا آزاد می‌شوند

در اعلامیه مشترک افغانستان و امریکا اما اشاره‌ای به رهایی پنج‌هزار زندانی طالبان در ازای یک‌هزار زندانی نیروهای دولتی نشده بود. به همین شکل در پیوند به رهایی زندانیان باقی‌مانده هم چیزی در این اعلامیه نیامده است. در اعلامیه مشترک این دو کشور صرفاً گفته شده است که امریکا زمینه رهایی قابل توجهی از زندانیان دولت و طالبان را به هدف اعتمادسازی بین دو طرف تسهیل می‌کند. به این ترتیب، دولت افغانستان متعهد به رهایی کامل زندانیان طالبان در این اعلامیه نشده است.

دولت افغانستان با رهایی زندانیان گروه طالبان دو هدف مشخص را دنبال می‌کرد. هدف نخست، اعتمادسازی برای شروع مذاکرات مستقیم و هدف دوم کاهش قابل ملاحظه خشونت‌ها بود. دولت در ۲۲ سنبله به هدف نخست خود رسید؛ اما هدف دوم آن تاکنون برآورده نشده است.

قابل یادآوری است که گروه طالبان در توافق‌نامه دوحه به کاهش خشونت‌ها در ازای رهایی پنج‌هزار زندانی خود از بند دولت، متعهد نشده است. احتمالاً این گروه به صورت شفاهی متعهد شده بود که در پی رهایی زندانیان و شروع مذاکرات، سطح خشونت‌ها را کاهش خواهد داد. این تعهد شفاهی تا این دم عملی نشده است. چیزی که صریحاً در توافق‌نامه دوحه آمده، این است که زندانیان رها شده طالبان به تعهدات این گروه در این توافق‌نامه پابند خواهند بود و دست به اقداماتی که علیه امنیت امریکا و متحدان آن تهدید تلقی می‌شود، نخواهند زد.

دولت افغانستان برای رهایی زندانیان قبلی گروه طالبان، شدیداً زیر فشار امریکا قرار داشت. طوری که

اشرف غنی در لویه‌جرگه مشورتی صلح اعلام کرد که تصمیم رهایی زندانیان طالبان از بند دولت، یک تصمیم بسیار سخت‌دشوار برای او بوده است. تابع این فشارها، دولت افغانستان نتوانست از گروه طالبان و یا زندانیان این گروه، ضمانت قوی و قابل اجرا به دست بیاورد که مانع برگشت دوباره آن‌ها به میدان‌های جنگ شود. وزارت امور داخله در ۲۰ عقرب اعلام کرد که ۵۸۰ تن از زندانیان رها شده طالبان دوباره به جبهات جنگ برگشته‌اند. این وزارت تأکید کرد که برای اثبات این ادعا اسناد کافی در اختیار دارد. وزارت امور داخله گفت که بعضی از آن‌ها در جنگ با نیروهای دولتی کشته شده‌اند.

حالا نوبت به گام بعدی رهایی زندانیان طالبان از بند دولت رسیده است. گروه طالبان از جانب امریکا خواسته است که این زندانیان باید مطابق توافق‌نامه دهم حوت دوحه آزاد شوند. شمار این زندانیان حدود هفت‌هزار نفر اعلام شده است. سفارت امریکا در کابل هم این پیام را از طریق رسانه‌ها به گوش دولت افغانستان رسانده است.

دولت افغانستان به صورت مستقیم طرف توافق گروه طالبان برای رهایی زندانیان باقی‌مانده این گروه نیست. این توافق تنها بین امریکا و طالبان امضا شده است. به همین علت، طالبان به صورت مستقیم از دولت افغانستان خواستار رهایی زندانیان باقی‌مانده خود نشده‌اند. در فهرست موضوعات پیشنهادی طالبان برای بحث در مذاکرات جاری دوحه هم این موضوع نیامده است. از دید طالبان این موضوع نیازی به مذاکره با دولت افغانستان ندارد و انتظار دارند که این کار با فشار امریکا بر دولت افغانستان انجام شود.

موضع دولت افغانستان در قبال رهایی هفت‌هزار زندانی گروه طالبان در جریان روزهای آینده روشن خواهد شد. بدیهی است که این بار تنها اشرف غنی در این زمینه تصمیم‌گیرنده نیست. عبدالله که به حکم توافق‌نامه سیاسی ۲۸ ثور امور مربوط به صلح را رهبری و مدیریت می‌کند، نیز در تصمیم رهایی زندانیان باقی‌مانده طالبان دخیل است. از این رو، دو طرف ناگزیر هستند پیش از هر تصمیمی باید با هم مشورت کنند. تصمیم رهایی زندانیان باقی‌مانده طالبان، نسبت به تصمیم دوره قبل دشوارتر خواهد بود. دلیل نخست آن است که دولت افغانستان به هیچ یکی از طرف‌ها تاکنون به رهایی کامل زندانیان طالبان تعهد نسروده است. دلیل دوم آن است که تصمیم‌گیری در این باره به مشورت بیش‌تر بین غنی و عبدالله نیاز دارد که طبعاً این مشورت زمان‌گیر خواهد بود. از جانب دیگر، بازگشت زندانیان رها شده به جبهات جنگ، دولت را نسبت به تعهدات طالبان بی‌اعتماد کرده است. هم‌چنان رهایی زندانیان طالبان بر خلاف انتظار عمومی به کاهش خشونت‌ها منجر نشد و این امر باعث افزایش فشار افکار عمومی بر دولت شده است. این دو مورد نیز شامل دلایلی است که تصمیم‌گیری درباره رهایی زندانیان را دشوار می‌نماید.

با این وجود، نقشه صلح افغانستان طبق توافق‌نامه دوحه دنبال می‌شود. دولت افغانستان دیر یا زود در برابر فشارهای امریکا تسلیم خواهد شد و تعهد این کشور به رهایی زندانیان باقی‌مانده طالبان نیز جامه عمل خواهد پوشید. کما این‌که مقاومت دولت افغانستان در برابر فشارهای امریکا در دوره قبل نیز نتوانست از گشودن قفل زندان‌ها جلوگیری کند. چیزی که این بار نباید نسبت به آن سبک‌سرانه نگاه کرد، موضوع ضمانت است. این ضمانت باید آن قدر قوی باشد که به احدی از زندانیان رها شده طالبان اجازه بازگشت به جبهات جنگ ندهد. در غیر این صورت، رهایی زندانیان باقی‌مانده طالبان جام زهری است که دولت خواهد نوشید.

## آیا ترور محسن فخری‌زاده می‌تواند عاملی برای افزایش تنش در خاورمیانه باشد؟

ایمان نوری

اولین گام بزرگ تهاجمی امریکا و اسرائیل علیه ایران در زمستان ۱۳۹۸ برداشته شد و قاسم سلیمانی با همراهانش در میدان هوایی بغداد به دستور مستقیم کاخ سفید، توسط هوایپیمی *M-Q9* کشته شدند.

حالا دومین گام هم برداشته شده است. بعد از کشته‌شدن قاسم سلیمانی، این بار محسن فخری‌زاده، مهم‌ترین دانشمند هسته‌ای ایران که چندی قبل بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل او را طراح و چهره اصلی قمیبه اتمی ایران و مغز متفکر این پروژه معرفی کرد، در هفتم قوس در دماوند تهران در اثر انفجار موتوربمب و شلیک گلوله کشته شد.

این سلسله اقدامات به حدی تحریک‌کننده است که ایران را در صورت احساساتی شدن وارد جنگ بزرگ می‌سازد. اما از قرائن درون رهبری دولت ایران چنین بر می‌آید که این کشور در این مورد احساساتی برخورد نخواهد کرد و صرف در صدد انتقام، آن هم به گونه غیرمستقیم خواهد بود. همه موافقان و مخالفان نظام ایران از این ترور متأثر شده‌اند. دفتر نخست‌وزیر اسرائیل و کاخ سفید امریکا خاموش‌اند. ایرانی‌ها چنین امری را تنها کار مוסاد، سازمان اطلاعاتی اسرائیل می‌دانند.

**اگر جنگ آغاز شود، اسرائیل تا چه اندازه برای این جنگ آماده‌گی دارد؟**

سناریوهایی زیادی وجود دارد. یکی هم تقویت نیروهای نیابتی ایران از سوی این کشور در اطراف اسرائیل، نظیر حشدالشعبی، حزب‌الله، انصارالله و غیره است. در صورت عملی‌شدن این سناریو، مدیریت جنگ در چندین جبهه، آن هم به مقیاس وسیع از توان اسرائیل بیرون است؛ اما امریکا پشت اسرائیل را خالی نخواهد کرد. در مقابل، دولت ایران هم از سوی روسیه و چین تقویت خواهد شد. تجربه نشان داده است که دولت‌ها با همسایه‌های قدرتمند و نزدیک‌شان متحدتر می‌شوند، در این مورد مثال‌هایی نیز داریم.

جنگ ایران و عراق، هر دو کشور را بسیار تقویت کرد و تا مرحله تصادم بزرگ قرار داد. ناسیونالیسم ایرانی و عراقی را دامن زد و زمینه‌های مدعی‌شدن رهبری منطقه را برای این دولت‌ها مهیا ساخت. فرمول مشهوری هم است، آن این‌که: برای گریز از سقوط

قدرت، دست به جنگ خارجی زدن، معنی دوام و استحکام دولتی است که تا هنوز کارایی دارد. مثال زنده آن نبرد سوریه است.

**هند و پاکستان هم دارای چنین تجربه تاریخی هستند**

بعد از جنگ هند و پاکستان، این دو کشور بزرگ‌ترین میزان رشد و انکشاف اقتصادی - اجتماعی را تجربه کردند. پاکستان از نقش بزرگش در جنگ افغانستان، به یک کشور مطرح جهانی که تأثیرات منطقه‌ای بزرگ و فرامرزی دارد، مبدل شد و از دید اقتصادی به تولید کنتله‌ای رسید. دشمنی با هند، انگیزه اتمی شدن پاکستان را تقویت کرد؛ به گونه‌ای که بی‌نظیر بوتو گفته بود: حاضریم سال‌های سال نان با کچالو بخوریم؛ اما اتمی شویم.

دشمنی هند و چین، یکی از انگیزه‌های بزرگ رشد سریع و همه‌جانبه این دو کشور است. تیوری دشمن‌سازی، جنبه‌های منفی رقابت را در سطح بلند به راه انداخت.

**خاورمیانه هم روزگاری میدان چنین تجربه‌هایی بود**

مصر، اسرائیل، سوریه و لیبی بعد از جنگ اعراب - اسرائیل یا همان نبرد یوم کیپور، به تکنولوژی مغلق دست یافتند و رشد اقتصادی مناسب را تجربه کردند. ترکیه نیز بعد از برخورد با یونان بر سر مسأله قبرس، رشد بی‌پیشینه‌ای را تجربه کرد. با وجودی که این کشور گره‌گاه فرهنگ اروپایی - سنتی است و دست‌آوردهای بزرگ تاریخی دارد.

**در شرق دور، شبه‌جزیره کوریا هم میزبان رویارویی غیرمستقیم بود**

بعد از جنگ کوریا در ۲۵ جون ۱۹۵۰، کوریای جنوبی بزرگ‌ترین مرکز تولید کالاهای صنعتی شرق آسیا شد و کوریای شمالی به مغلق‌ترین بخش علم، یعنی دانش اتمی دست یافت.

حالا یک‌تعداد، تیوری دشمن‌سازی را لازمه رشد و انکشاف و توسعه می‌دانند. بر اساس این تیوری، افغانستان پس از بحث دشمنی با پاکستان از سال‌های ۱۳۳۵ خورشیدی، برای یک زمان کوتاه، سریع‌ترین رشد را تجربه کرد.

امریکا، چین، هند، پاکستان، ایران، عراق، آلمان شرقی، آلمان غربی، کوبا، نیکاراگوآ و جمهوری دومینیکن از این تیوری به طور خودآگاه و یا ناخودآگاه نفع برده‌اند.

**تیوری دشمن‌سازی برای ایران چقدر کارساز بوده است؟**

اسرائیل خطر حمله ایران و اتمی‌شدن این کشور را از زمان برجام تهدید تلقی می‌کرد و حالا هم همین امر را بهانه دارد. ایران نیز صهیونیسم و امپریالیسم امریکا را هسته پیش‌رفت اقتصادی و اجتماعی قرار داده است. اما در حقیقت برای ایران جنگ و در عین حال تحریم، سنگین تمام شده است؛ زیرا شاید ایران تنها‌ترین کشور دنیا باشد.

**قدرت‌های پشتیبان ایران؛ دوستان صمیمی و دیرینه یا یاران بی‌وفا و نیمه‌راه؟**

قدرت‌های هم‌سو و هم‌کار با ایران هم در پی منافع خود هستند و در زمان حساس و آسیب‌پذیر دست از حمایت ایران خواهند کشید. روسیه در زمان حمله امریکا به عراق، صدام را تنها گذاشت. همین‌طور امریکا و گریزش از عقب‌شاه ایران، رهاکردن جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان از جانب شوروی‌ها، ترک ویتنام جنوبی از جانب امریکا و ده‌ها مورد مشابه دیگر از نمونه‌های پشت‌کردن حامیان جهانی به کشورهای تحت حمایت‌شان است.

**جنگ ایران با عراق، تجربه تلخ و نافرجام بود**

برای ایران، جنگ با عراق در هر ساعت حدود ۳۸ میلیون دالر هزینه داشت که در یک شبانه روز مصرف ایران در جنگ، ۹۱۲ میلیون دالر می‌شد. این هزینه، جدا از کاهش تولیدات، کاهش صادرات، افزایش واردات و تلفات انسانی ایران در آن جنگ بود. حالا می‌توان هزینه سال‌ها جنگ را نیز محاسبه کرد. در آن طرف، عراق نیز با چنین مصارف بی‌مفهوم مواجه شد. برخلاف در همین دوره‌ی پر مصرف برای ایران و عراق، کشورهای اطراف ایران و عراق رشد سریع را تجربه کردند؛ ولی نشنلیسم عراقی و ایرانی به اوج رسید و هر دو کشور را یک‌تنه وارد ویرانی‌های بزرگ ساخت و تاوان سنگینی را روی دوش آنان گذاشت.

**نگرانی‌ها روی چیست؟**

پروژه اتمی ایران که برای اولین بار محسن فخری‌زاده از آن صحبت کرد، جنجالی‌ترین و پرهزینه‌ترین پروژه تاریخ ایران است. حالا اگر کشوری جنگ را بر ایران تحمیل کند، باز هم ایران خواهد جنگید؛ ولی با هزینه‌های بزرگ‌تر از گذشته. به باور بسیاری‌ها جنگ احتمالی ایران، بر افغانستان و منطقه نیز سایه خواهد افگند.

**اما چند پرسش**

در صورت آغاز این جنگ، آیا یمنی‌ها، سوری‌ها، لبنانی‌ها و عراقی‌ها سهم خواهند گرفت؟ روسیه و چین چگونه عکس‌العمل نشان خواهند داد؟ اروپایی‌ها چه روشی را اتخاذ خواهند کرد؟ سعودی‌ها موضع‌شان چه خواهند بود؟ پاکستانی‌ها جانب کدام طرف را خواهند گرفت؟ افغانستان با سیاست خارجی عجیبی که دارد، چه موضعی را انتخاب خواهد کرد؟ آیا میدان‌های نفتی خاورمیانه در امان می‌ماند؟

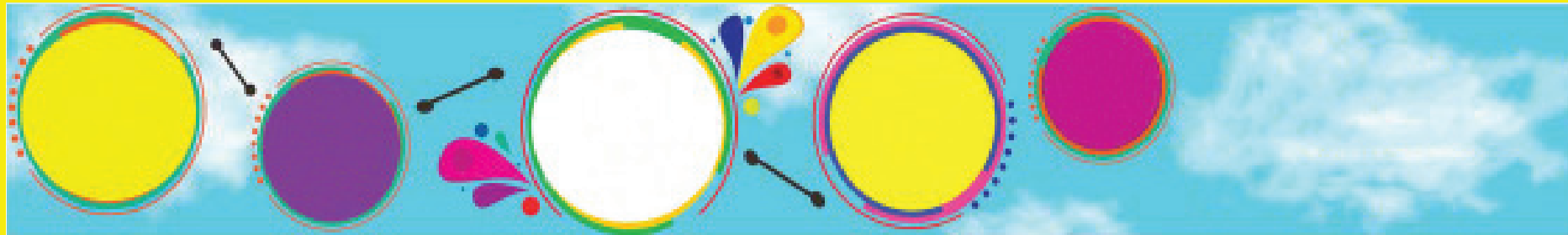
**جمع‌بندی**

راه‌اندازی جنگ در درون ایران برای امریکا و اسرائیل تا حدود زیادی ممکن است. اما برافروختن این جنگ بر اهداف منافع ملی امریکا و اسرائیل در منطقه ناممکن خواهد بود و این امر منطقه را آتش می‌زند، بازی با آتش آغاز می‌شود. حقیقت این است که خامنه‌ای به ولادیمیر پوتین باور ندارد. روسیه در مسأله ناگورنو قره‌باغ در حالی که با ارمنستان پیمان نظامی داشت؛ اما به آسانی دوستان ارمنی خود را قربانی کرد. برای روسیه، نوع مواجهه با امریکا، چین و قدرت‌های دیگر مهم است، نه دفاع از منافع کشورهای دیگر. قدرت‌های بزرگ در این مورد از متحدان کوچک منطقه‌ای شان پشتیبانی سیاسی می‌کنند و تنها به سرورسداها که آن‌هم در راستای منافع ملی‌شان است، بسنده می‌کنند و بس.

هند در سال جاری، از نخست‌وزیر اسرائیل پذیرایی و قراردادهای مهمی را در عرصه نظامی، دیپلماتیکی و اقتصادی با او امضا کرد.

همان‌طوری که یک چوب گوگرد می‌تواند تمام جنگلات را به آتش بکشد، همان‌گونه هم سوزنی به همان کوچکی می‌تواند بلایی را بر سر بادکنکی به همان بزرگی بیاورد.

ایران اگر محتاط نباشد، این بار به بسیار آسانی گلیمش از منطقه برچیده خواهد شد و هرگونه تحرکات بعدی اسرائیل مشروعیت بین‌المللی سازمان ملل متحد، امریکا و اروپا را در قبال خواهد داشت.



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

سال سیزدهم  
قیمت: ۲۰ افغانی

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

# بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

## مؤسسه نشر واژه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر واژه  
فروشگاه ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر واژه  
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ واژه، پلاک ۲۲  
۰۷۸۰۷۴۷۲۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۳۶

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

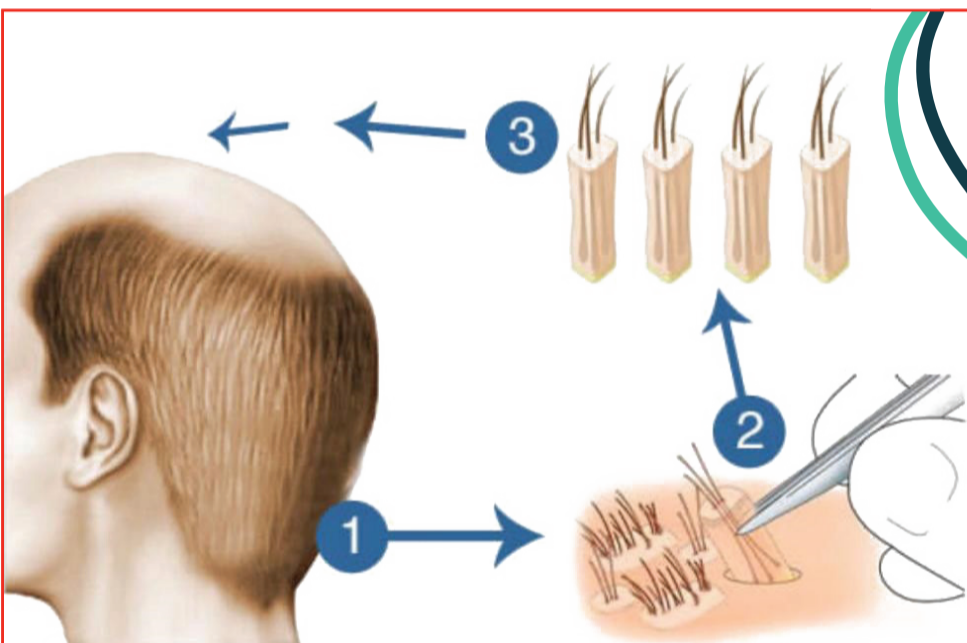
## شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه  
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت  
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰



BARTARTECH  
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

### شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909 info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com

کوته سنگی، گولایی دواخانه، کابل افغانستان

## نوی عدالت

Electric co.

پرچون

عمده

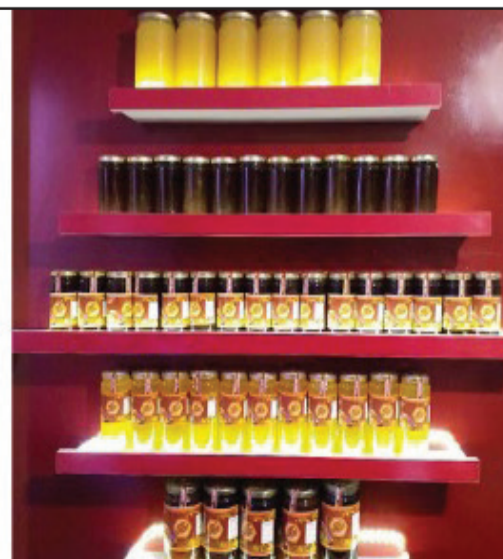
عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کبیل جات ایرانی و ترکی  
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی  
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد



آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف  
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال  
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449

## فروشگاه عسل تاج

صحت و نشاط



پروفایل فروشگاه: www.baba.af/taj

تماس: ۰۷۷۹۰۴۹۶۳۰ / ۰۷۴۴۳۸۱۳۷۰

آدرس: کابل، کارته ۳، پل سرخ، جوار دروازه رضایی ستر

# حقوق بشر و سیاست

حقوق بشر، موازین و اصولی را شامل می‌شود که تعهد افراد و دولت و سازمان‌ها را نسبت به آن بر مبنای حفظ و رعایت حیثیت و کرامت انسانی ملزم می‌سازد. آنچه این الزام را عملی و عینی می‌سازد، هنجارهای حقوق بشری است که رابطه میان افراد و دولت‌ها و سازمان‌ها را در حوزه‌های گوناگون تنظیم می‌کند.



حقوق بشر، موازین و اصولی را شامل می‌شود که تعهد افراد و دولت و سازمان‌ها را نسبت به آن بر مبنای حفظ و رعایت حیثیت و کرامت انسانی ملزم می‌سازد. آنچه این الزام را عملی و عینی می‌سازد، هنجارهای حقوق بشری است که رابطه میان افراد و دولت‌ها و سازمان‌ها را در حوزه‌های گوناگون تنظیم می‌کند.

در مورد ورود مفهوم حقوق بشر در عرصه سیاست و یا ارتباط میان این دو حوزه، از لحاظ تاریخی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در این‌جا دو نظر عمده را یادآور می‌شویم. عده‌ای این ورود یا ارتباط را به شرایط پس از جنگ جهانی دوم و برخی دیگر آن‌را به دهه هفتاد میلادی نسبت می‌دهند. اما چنین به نظر می‌رسد که ورود مفهوم حقوق بشر در حوزه سیاسی در سه یا چهار دهه اخیر روشن‌تر شده است. دانشمندان به این نظر هستند که حقوق بشر از جنبه‌های مختلف با سیاست ربط پیدا می‌کند. یعنی حقوق بشر و سیاست با یکدیگر ربط وثیق دارد. این دیدگاه از جهت نظری و تیوری توجیهاتی را دارا است. بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی به این باور هستند که هر کنش انسان، در واقع از جهتی یک کنش سیاسی است، حتی اگر انسان به مفهوم مصطلح، فعال سیاسی و یا دارای مقام سیاسی هم نباشد و فقط یک فعال مدنی باشد، این کنش مدنی نیز خودش به نوعی آمیخته با سیاست است. این دیدگاه تأکید دارد که نمی‌توان میان امر حقوق بشری و امر سیاسی تفکیک قایل شد. زیرا از یک زاویه سیاست معطوف به تغییر رفتار یک حکومت تعریف می‌شود، در همان حال بخشی از فعالیت‌های حقوق بشری نیز معطوف به تغییر رفتار و عمل‌کرد حکومت نسبت به شهروندان و برآورده ساختن مطالبات‌شان است. به باور طرفداران این نظریه، این ارتباط را می‌توان از محتوای «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «کنوانسیون‌های» مربوط به آن به خوبی به دست آورد. زیرا در آن‌ها مخاطب مستقیم و نخستین، دولت‌ها و قدرت‌ها هستند. چنانچه اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت دولت‌ها و قدرت‌ها را به مسوولیت ملی و حقوق بین‌المللی‌شان با روی کرد حقوق بشری فرا می‌خواند.

از لحاظ واقعیت تاریخی نیز مجموع رویدادها و حوادث مرتبط به جهان سیاست و قدرت و اثرگذاری پیامدهای آن بر زنده‌گی بشر، سبب شده است که جامعه بشری به مفهوم‌ها و ارزش‌ها و معیارهایی روی آورد که بعدها تحت عنوان مفاهیم و ارزش‌های حقوق بشری مورد شناسایی قرار گرفت و به نام «اعلامیه جهانی حقوق بشر» تدوین شد. البته که ریشه‌های مفاهیم و ارزش‌های حقوق بشری را در دوره‌های بسیار دور تاریخ بشر و متون مربوط به آن‌ها هم می‌توان جست‌وجو کرد؛ اما در آخرین و مهم‌ترین تحول در سده اخیر، یعنی شروع جنگ جهانی دوم و تحولات پس از آن به منظور پیش‌گیری از جنگ و خشونت و نقض حیات انسان‌ها، کاهش دردها و رنج‌های بشری، انسانی‌ساختن عرصه‌های گوناگون حیات بشری به خصوص عرصه سیاست، تنظیم مناسبات داخلی کشورها و بین‌الدول، نسبت به قواعد حقوق بشری و رعایت آن از سوی دولت‌ها و جامعه بین‌المللی توجه خاص صورت گرفت. به این منظور حقوق بین‌الملل، حقوق بشر را به رسمیت شناخت و بسیاری از کشورها این حقوق را با الهام از اعلامیه تدوین‌شده به نام «اعلامیه جهانی حقوق بشر» در قانون اساسی، قوانین و رویه‌های قضایی داخلی خود پذیرفته و مورد شناسایی قرار داده‌اند. بنابراین تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر و پذیرش آن از سوی اکثر کشورها و دولت‌ها خود سرآغاز ارتباط آشکار و ملموس «حقوق بشر» با «سیاست» دانسته

عبدالشکور اخلاقی

ما نیست که آن‌ها را از هم‌دیگر جدا کنیم، آن‌گونه که در آغاز گفته شد. این پیوند منطقی و معطوف است به ابعاد زنده‌گی بشری، چه به صورت فردی یا جمعی. هم‌چنین در جهان بشری وقتی مفاهیم و ارزش‌ها وارد جامعه و تاریخ می‌شود، امکان تفسیر به رأی و ابزاری شدن آن امر دور از احتمال نمی‌تواند باشد. بنابراین برخورد جانب‌دارانه و غیرواقع‌بینانه، به خصوص از سوی برخی حکومت‌ها نسبت به حقوق بشر مطابق به مصالح و منافع خود، منحصر به موضوع حقوق بشر نیست.

برای گریز از این وضعیت، ما باید شناخت خود را از حوزه مفاهیم انسانی، به خصوص موضوع حقوق بشر دقیق‌تر و عمیق‌تر سازیم. هم‌چنین انتظارات خود را از حقوق بشر بر اساس واقعیت‌ها و مسایل عینی عیار کنیم. ناکامی در تنظیم مناسبات سازنده حقوق بشر و سیاست را باید به صورت موردی، مورد مطالعه و ارزیابی همه‌جانبه قرار داد. هم‌چنین موضوع ابزاری شدن حقوق بشر در ارتباط با سیاست نیز نیازمند مطالعه و درک عمیق از ساختارهای سیاسی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی و باورمندی به حقوق بشر است. در حقیقت امر درک واقعی از اهداف حقوق بشر این است که فضای زنده‌گی بشری در همه ابعاد بایستی انسانی شود. انسانی‌شدن عرصه سیاست و حکومت‌داری از اهداف مهم و نخستین حقوق بشر است. حتی تلاش بر این است که اگر نمی‌توان خوشنوی را به طور کامل رفع کرد، حداقل با کارشویه‌ها و محدودیت‌ها و الزاماتی کاهش بخشید. دقیقاً در همین راستا موضوع عدالت اجتماعی و رفع تبعیض همه‌جانبه از مهم‌ترین شاخصه‌های حقوق بشری در ارزیابی کارکردهای حکومت‌ها و فعالیت سازمان‌ها دانسته شده است. تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است که با وجود چالش‌های موجود و آنچه که منتقدان در ارتباط با موضوع حقوق بشر و سیاست یاد کرده‌اند، تأکید بر حقوق بشری در عرصه عمومی و جامعه مدنی، یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار برای تلطیف فضای سیاسی و روابط بین‌المللی بوده است. بر مبنای همین تجارب با تأکید بر حقوق بشر در فضای پرتنش سیاست و تصادم منافع کشورها و قدرت‌ها، می‌توان روزنه امید را در زنده‌گی انسان‌های گیرمانده در چنان فضایی به وجود آورد.

بشر» به مثابه یک ارزش جهان‌شمول جایگاه مهمی در آن نوع نگرش از سیاست ندارد. به گمان آنان اگر دولت‌ها در مواردی هم به حقوق بشر استناد می‌کنند، بیش‌تر دادن پوشش انسانی است بر منافع ملی‌شان. به تعبیر صریح‌تر، حقوق بشر در مقایسه با منافع ملی یک موضوع فرعی است و نگاه‌ها نسبت به آن ابزاری. این‌ها به این باور هستند که واقعیت‌های سیاست اجازه نمی‌دهد تا حکومت‌ها حقوق بشر را تعیین‌کننده و محور اصلی در سیاست کلان و در سیاست خارجی خود قرار دهند.

به طور مثال یکی از میدان‌های تعارض حقوق بشر و سیاست، «حاکمیت ملی» دولت‌ها است. منتقدان می‌گویند که حقوق بشر با حاکمیت ملی دولت‌ها در تعارض کامل قرار دارد. آنان به موارد این تعارض چنین اشاره دارند: الزام به تصویب و تطبیق قوانین داخلی با قوانین بین‌المللی، حمایت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از حقوق بشر، پی‌گیری‌های قضایی در خصوص نقض‌کننده‌گان حقوق بشر و...

تفسیر به رأی مفهوم حقوق بشر و اسناد مربوط به آن از سوی برخی از کشورها، به خصوص قدرت‌های بزرگ بر اساس مصالح و شرایط مشخص از نقض حقوق بشر یا محق دانستن خود به دخالت در کشورهای دیگر به خاطر مصالح استراتژیکش، مورد دیگری از تعارض میان حقوق بشر و سیاست است که از سوی منتقدان وارد شده است.

اینک با طرح این دو دیدگاه خوش‌بینانه و مثبت در پیوند حقوق بشر و سیاست و دیدگاه منتقدانه نسبت به آن، چه نتیجه‌ای می‌توان به دست آورد؟ آیا پیوند حقوق بشر با سیاست جدانشدنی است؟ آیا برای آسوده‌شدن و ساده‌سازی، یکی از دیدگاه‌ها را به نفع دیگری انکار کنیم؟ آیا تحلیل و نتیجه‌گیری رابطه یک سویه حقوق بشر با سیاست منطقی و واقع‌بینانه است؟

به نظر می‌رسد، پاسخ چنین پرسش‌هایی منفی خواهد بود. پیوند حقوق بشر با سیاست در اختیار

می‌شود. چنانچه در جهان امروز، موضوع حقوق بشر از مهم‌ترین موضوعاتی دانسته می‌شود که بر مناسبات دولت‌ها با یکدیگر و نیز با شهروندان‌شان و دیگر سازمان‌های ملی و بین‌المللی اثر گذاشته است. هم‌چنین در مسیر توسعه حقوق بشر، نسل‌های چندگانه حقوق بشری طرح شده که در آن‌ها جنبه‌های مختلف زنده‌گی بشر و حقوق بشری افراد مورد توجه دقیق قرار گرفته است. آنچه درباره ارتباط حقوق بشر با سیاست می‌توان افزود، این است که فرآیند تحولات نظام بین‌الملل در دوران اخیر، در گسترش جایگاه حقوق بشر و تغییر ماهیت این حقوق از یک مسأله‌ای صرف نظری به روی کرد حیاتی و استراتژیک اثرگذار بوده است. چنانچه این مسأله سبب شده است تا حقوق بشر از جمله مسایل اساسی در اصول سیاست خارجی کشورها شناخته شود. قرارگرفتن حقوق بشر در اصول سیاست خارجی کشورها این زمینه را فراهم ساخت تا کشورها در مسیر تنظیم سیاست خارجی خود و پرداختن به منافع ملی‌شان به قدرت نرم دست پیدا کنند.

درباره ارتباط حقوق بشر با سیاست، افزون بر آن چه تاکنون مطرح شد، نگاه انتقادی نیز وجود دارد. در دیدگاه انتقادی هرچند وجود ارتباط حقوق بشر با سیاست نفی نشده است؛ اما به عنوان عنصر ارتقادهنده و جذاب نیز دانسته نمی‌شود. منتقدان پیش از همه، این پرسش را مطرح می‌سازند که آیا طرح مطالبات حقوق بشری، نوعی انحراف و ایجاد چالش برای تحقق دموکراسی محسوب نمی‌شود یا بالعکس؟ این پرسش معطوف به غیربومی بودن حقوق بشر و نیز شرایط گوناگون و متفاوت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشورها است.

اما مهم‌ترین نقد از سوی کسانی که واقع‌گرا یا عمل‌گرا نامیده می‌شوند، طرح شده است. انتقاد آنان این است که سیاست به طور کلی و سیاست خارجی حکومت‌ها به طور خاص، بر اساس حفظ «منافع ملی» است، طبیعی خواهد بود که «حقوق

منابع‌ها

۱. جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین‌الملل، نسرين مصفا و نبي‌الله ابراهيمي، فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، زمستان ۱۳۸۷.
۲. جایگاه فرودست حقوق بشر در روابط بین‌الملل، میثم بهروش، رادیو زمانه.
۳. حقوق بشر و تأثیر آن بر حاکمیت ملی دولت‌ها، خیرالهیچ پروین، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷.
۴. حقوق بشر و سیاست، جاستین لاکروا، مترجم؛ آرامش یعقوبی کچوئی، سایت آسو.
۵. حقوق بشر و سیاست خارجی: چهارچوب‌های مفهومی و عملیاتی، سید محمدکاظم سجادپور، فاطمه محمدی.
۶. حقوق بشر و منافع ملی، ایرنا.
۷. عمل‌کرد شورای حقوق بشر سازمان ملل نسبت به اسرائیل، مجید بزرگمهری، حمیدجان نثار ملکوتی.
۸. نسبت حقوق بشر و سیاست، نشریه گفت‌وگو، گفت‌وگو با تقی رحمانی، شماره ۵، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۶.
۹. نقش و جایگاه حقوق بشر به عنوان قدرت نرم در سیاست خاورمیانه آمریکا، لیلیا ریسی دزکی، مریم درخشنده، فصل‌نامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۴.

# ازدواج اجباری در ۱۴ ساله‌گی؛ خواستگار به پدر دختر «به خدمت کار خوب نیاز داریم»



آسیه حمزه‌ای

نمی‌شود نامش را تصمیم برای ازدواج گذاشت، بل باید گفت که همه حرف‌ها برای معامله نیلاب (اسم مستعار) ۱۴ ساله در بدل دو لک افغانی نهایی شده است. التماس‌های نیلاب فایده‌ای ندارد. کسی نه صدای او را می‌شنود و نه دلش به حال آن همه کودکی‌های خاکستر شده در میان ازدواج اجباری می‌سوزد. زخمی که به قلب او وارد شده، عمیق‌تر از تمام زخم‌هایی است که در جان او خودنمایی می‌کند.

آستینش را بالا می‌کشد، دستان ظریف و گندم‌گونش پر است از آثار جراحات‌های قدیمی. فقط جای زخم‌ها نیست، استخوان دستش نیز کج شده است، گویا قبلاً دچار شکستگی شده و در همان حالت استخوان‌ها به هم جوش خورده باشد. می‌گوید: «یادآور همو روزهایی اس که به جای صبحانه و نان چاشت، فقط لت می‌خوردم. معلوم‌دار اس که تا آخر عمر یادم نمی‌ره، چون هر نانیه پیش چشمم اس و مره زجر می‌ته.»

دو سال از آن روزها گذشته و حالا نیلاب ۱۶ ساله شده است؛ دختری که از کودکی آرزوی مکتب داشت و حالا پس از دو سال اقامت در خانه امن در کابل، به تازه‌گی مکتب را آغاز کرده است. خشونت در خانه نیلاب داستان یک روز و دو روز نبوده، بلکه خاطرات دوران کودکی‌اش گره خورده با نزاع‌های خانواده‌گی در خانه پدری، صدای گریه‌های مادر بعد از لت‌وکوب و صورت کبود و خونین او. شاید برای همین، ترس در میان آن‌ها نهادینه شد، تا آن‌جا که مادرش در مقابل ازدواج اجباری نیلاب نتوانست دم بزند، چه رسد به حمایت از دخترش.

یک روز خزان است در کابل، در خانه‌ای محقر و البته سرد. پدر در حالی به خانه می‌آید که حامل خبری است. خوب یا بد را هنوز کسی نمی‌داند و جرأت پرسیدن هم ندارد. وقت نان شب است، دسترخوان پهن می‌شود. پدر بدون هیچ مقدمه‌ای، به مادر می‌گوید: «کمی لباس برای نیلاب آماده کن، خواستگار دارد. نیاز به کش‌وفش نیست، هرچه



است. نیلاب می‌گرید، همان قدر معصوم و کودکانه و مستأصل. آن‌ها به او کمک می‌کنند. کسی را در وزارت امور زنان می‌شناسند و قرار است خبر بدهند که چطور می‌شود مانع ازدواج اجباری شد. نیلاب ناامیدانه به خانه برمی‌گردد. فردای آن روز به نیلاب خبر می‌دهند که وزارت زنان می‌تواند کمک کند، اما نیلاب نمی‌داند چگونه. با این حال، نمی‌خواهد برای همیشه از خانواده جدا شود. وقتی به بهانه خانه همسایه، با آن‌ها به وزارت زنان می‌رود، مسوولان مربوطه بلافاصله نیلاب را به یکی از خانه‌های امن کابل منتقل می‌کنند.

رفتن نیلاب به خانه امن، جنجال‌های جدیدی را خلق می‌کند؛ جنجال‌های خانواده آن پیرمرد و جنجال و نزاع‌های خانه‌گی میان پدر و مادر نیلاب. دو سال می‌گذرد و هیچ‌گاهی پدر نیلاب حاضر نمی‌شود دخترش به خانه برگردد.

در جلسات رسیده‌گی به قضیه نیلاب، بارها مسوولان کمیسیون به خانه او زنگ می‌زنند، اما سودی ندارد. پدر نیلاب می‌گوید: «این لکه ننگ همان‌جا بماند و بمیرد بهتر است از این‌که به خانه برگردد.» یک بار مادرش به وزارت امور زنان می‌آید و می‌گوید تلاش نکنید نیلاب به خانه برگردد، که اگر برگردد، از او فقط یک جنازه می‌ماند و خلاص. این حرف‌ها و پس‌زدن‌ها، آواری از ناامیدی است که بر سر نیلاب فرو می‌ریزد.

نیلاب از طریق محکمه فسخ نامزدی می‌کند، اما هیچ‌گاه نمی‌تواند به آغوش خانواده‌اش برگردد. دو سال گذشته و به قول خودش نه راه پس دارد نه پیش. این حق او از جامعه‌ای است که زن صدای خود را نمی‌تواند بلند کند و اگر بلند کند، آخر و عاقبتش می‌شود طرد از خانه، تهدید به قتل و تمام خشونت‌های پیدا و پنهانی که روح و جسم او را شکنجه می‌دهد.

نیلاب فقط نفس می‌کشد، اما زنده‌گی نمی‌کند...

از لت‌وکوب‌هایی که در چند روز اخیر شده است. همان شب دوباره اعتراض کرد، حتا گفت: «پدرا! مه آرزوی مکتب رفتن داشتم، مره نماندی. مه گپ نزدم. حداقل حالی گپم ره گوش کن، مه نمی‌تاتم.» پاسخ پدر اما آب سردی است روی تمام التماس‌های او. پدرش می‌گوید: «ازدواج نمی‌کنی، خی ما گرسنه می‌مانیم. ضمن آن، شرایط خراب است. مه دختر نمی‌توانم نگاه کنم. معلوم نیست اگر کمی کلان‌تر شوی، چه کارهایی کنی. دختر باید تا کمی جوان شد، برود سر خانه و زنده‌گی تا دو روز دیگر آوازه فاحشه‌گی‌اش در جامعه نبراید. نه درس به درد می‌خوره و نه کورس رفتن.»

تقلای نیلاب بیشتر می‌شود، به مادر پناه می‌برد. او هم مادر است و دلش می‌سوزد و هم نمی‌تواند دم بزند. پاسخ همان است که بود: «قبول کن که آغایت هم مره می‌کشه و هم تو ره.»

چاشت است، می‌رود خانه همسایه قدیمی. با دختر همسایه صمیمی است و گاهی گپ‌وگفت‌های دوستانه دارد. آن‌ها از موضوع ازدواج نیلاب خبر دارند. بارها با مادرش گپ زده‌اند، اما سودی نداشته

عاجل‌تر باید خانه شوهر برود. نان می‌خشکد در دهان همه اعضای خانواده و بیش‌تر نیلاب. او فقط ۱۴ سال سن دارد.

خواستگار نیلاب پیرمردی است که زنی بیمار به همراه شش فرزند کلان دارد. آن‌چنان هم در بساطش پول نیست، فقط دو لک افغانی به مرد خانواده داده تا به همین راحتی کودکش را به همسری بگیرد. نیمی از رویاهای نیلاب از همان کودکی به دلیل ممانعت پدرش با رفتن به مکتب، بریاد رفته، حالا اما انگار چیزی تا نابودی کامل نمانده است.

نیلاب با همان ادبیات خود تلاش می‌کند پدرش را متقاعد کند، هرچند اصرار بیش از حد او نتیجه کم‌تری دارد. مراسم خواستگاری برگزار می‌شود. پیرمردی معیوب همراه همسر و دو پسر کلانش آمده‌اند. همسر پیرمرد همان اول اتمام حجت می‌کند که به خدمت‌کار نیاز دارد، نیلاب که آمد، باید خوب خدمت کند.

چند روز به برگزاری مراسم نامزدی مانده، نه طلاها برای او جذابیتی دارد و نه لباس‌های رنگارنگی که باید در محفل ببوشت. تمام جانش آزرده است

## زیاله‌دانی‌ها؛ صحنه رقابت گرسنه‌گان

اعجاز الحق سامی

وظیفه‌شناسی است. او برای گرم ساختن خانه کوچک و محقرشان، در این روزهای سرد پایتخت به گوشه‌گوشه شهر با بوجی‌اش سفر می‌کند. هیچ چیزی او را به اندازه بوجی پر از کارتن و پلاستیک که در طول روز به خانه می‌برد، خوشحال نمی‌کند. نه عروسک‌ها و نه آب‌نبات خوش‌مزه دوکان پهلوی خانه‌شان. هیچ مکانی مهم‌تر از زیاله‌دانی‌ها برای او نیست، نه ارگ ریاست جمهوری و نه خانه‌های مجلل. با اصلا زنده‌گی برای او همین دو «کارتن» و «پلاستیک» بود که زیاله‌دانی به زیاله‌دانی به دنبال آن می‌گشت. الوکی اما قهرمانانه می‌خندد. او با جسم کوچکش، بازوی نیرومند پدر است؛ بازویی که با غرور و متانت لطف هیچ کسی را در حق خود نمی‌پذیرد؛ حتا تعارف سمبوسه گرم با ترشی را در یک صبح سرد و ابری با شکم گرسنه رد می‌کند.

آسمان ابری است و باد سردی از طرف کوه‌های برفی صورت کوچکش را اناری کرده است. شهر پر از سروصداهای گوش‌خراش است و فضا هم در این گل صبح بوی تعفن می‌دهد. الوکی همین‌طور بدون خداحافظی در میان عابران پیاده‌رو آهسته‌آهسته ناپدید می‌شود. این سوی خیابان صدای خبری از یک رستوران به گوش می‌رسد که می‌گوید: آمار کرونا روزبه‌روز افزایش می‌یابد و ما در حال سپری کردن موج دوم هستیم. مردم باید به توصیه‌های بهداشتی توجه کنند و دست‌های‌شان را مکرراً با آب و صابون بشویند و میوه‌های حاوی ویتامین سی بخورند... طرف دیگر خیابان اما تعدادی از افراد با لباس‌های سیاه و سر و صورت چرکین، از لای زیاله‌ها آرام‌آرام خیابان را در انتظار یک موتر زیاله‌کش دیگر رصد می‌کنند و هم‌چنان با نگاه‌های امیدوار به خیابانی که هر لحظه مزدحم‌تر می‌شود، می‌نگرند.

الوکی دختر بچه خجالتی است و همین‌طور که با گوشه چادرش مصروف می‌شود، زیرچشمی نگاهی می‌اندازد و آهسته می‌گوید: «ایناره می‌برم و شب در می‌تیم.» هوا سرد است و عابران زیادی از کنار او رد می‌شوند. الوکی بی‌اعتنا به آنان نگاهش را به چیزی دوخته است. دو دختر بچه خردسال با جامه‌های گرم و بکس‌های مکتب، نگاه‌هایشان را تا انتهای پیاده‌رو به دنبال خود می‌کشند. پرسیده می‌شود خنک نمی‌خوری؟ در حالی که به پیراهن پاره و نازکش نگاه می‌کند، می‌گوید: «نی!» در آن هوای سرد که آب را در گیلان یخ می‌بندد، پرسیدن سوال «خنک نمی‌خوری؟» اشتهایی بود، آن هم از کودکی که گوش‌ها و بینی کوچکش از شدت سرما کبود می‌نمود.

الوکی صبح‌ها با یک ماموریت از بستر می‌خیزد؛ ماموریتی که با روزهای قبل مشابه است. کودک

دیگرش می‌اندازد. سنگین است. وقتی راه می‌رود، ته بوجی‌اش به زمین تماس می‌کند. باری که تنها پلاستیک و کارتن برای سوخت نیست، دردی است که انتهای مجبوری یک خانواده را در فصل سرما نشان می‌دهد و روی شانه‌های کوچک این کودک تلنبار شده است. خانواده او از ولایت لوگر به این‌جا مهاجر شده‌اند. پدرش با کراچی دستی باربری می‌کند. آغاز سال وقتی پدرش او را به مکتب برد تا درس بخواند، مدیر مکتب گفت که سن او مناسب مکتب نیست و سال آینده وقتی هفت سالش تکمیل شد، می‌تواند درس بخواند. چه دنیای عجیبی! سن‌وسال او برای آموختن مناسب نیست، اما آیا برای کار مناسب است؟

پنج برادر و خواهر دارد و فارسی قشنگ و دل‌پذیر حرف می‌زند. «پلاستیک» و «کارتن»، واژه‌هایی است که با لحن کودکان‌اش بامزه‌تر تلفظ می‌کند.



◆ زاهد آریا، نامزد دکترای دفاع و مطالعات استراتژیک  
بخش دوم

## عوامل اساسی شورش گری

شورش عوامل زیادی دارد که باعث رویارویی مردم با حکومت و یا حکومت با مردم می‌شود. شورش‌ها معمولاً بر محور محرومیت، تبعیض، بی‌عدالتی، دیکتاتوری، انگیزه دینی و مذهبی، تجاوز خارجی، حضور نیروهای بیرونی، حکومت‌داری ضعیف، اندیشه برای تغییر، انقلاب و سایر عوامل به وقوع می‌پیوندد. از این رو چند عاملی که باعث شورش گری می‌شود را این‌جا توضیح می‌دهیم.

## آسیب‌پذیری مردم

معمولاً مردم از حکومت توقعات زیادی دارند و این توقعات می‌تواند دسترسی به ضروریات اولیه مانند صحت، آب آشامیدنی، اشتغال، آموزش و پرورش، امنیت، رسیده‌گی عادلانه به مسایل عدلی و قضایی و دیگر موارد باشد. حکومت نیز به عنوان نماینده مردم و نهاد مسوول، مکلف است تا نیازمندی‌های آن‌ها را برآورده سازد. در صورتی که حکومت توانایی برآورده‌ساختن خواست‌ها و نیازمندی‌های مردم را نداشته باشد، شکاف بزرگ میان مردم و حکومت به وجود می‌آید و شورشیان با استفاده از ابزارهایی چون تبلیغات، شایعات و پیشکش نمودن راه‌های بدیل، مردم را بر علیه حکومت می‌شورانند.

## ضعف در رهبری

رهبرانی که ظرفیت و توانایی رسیده‌گی به مشکلات مردم و هم‌چنان ظرفیت استفاده درست از منابع برای آوردن تغییر را نداشته باشند و نتوانند خدمات درست به مردم ارائه دهند، آن زمان شورشیان به آسانی می‌توانند مردم را مجذوب خود کنند. شورشیان راه‌های بدیل را برای مردم پیشنهاد می‌کنند؛ یکی از این راه‌ها شورش مسلحانه برای برانداختن حکومت و ایجاد نظم جدید است. به خصوص رهبران پرجذبه به آسانی می‌توانند مردم را تحت تأثیر خود بیاورند و اقناع آن‌ها را حاصل کنند.

## عدم کنترل حکومت

ما با دو نوع دولت مواجه هستیم که بر قلمرو خود تسلط و کنترل ندارند: دولت‌های ناکام و دولت‌های ضعیف. دولت‌های ناکام، دولت‌هایی است که در تمام ابعاد مانند امنیت، رفاه و مشروعیت ناکام باشد. چنین دولت‌ها، دارای کنترل محدود بر قلمرو خود است. این دولت‌ها برای بقای خود شدیداً وابسته به حمایت مالی و نظامی کشورهای خارجی است. مثال برازنده این نوع دولت، افغانستان است که شدیداً وابسته به حمایت نظامی و مالی خارجی و دارای کنترل محدود بر قلمرو و نفوس خود است. دولت ضعیف به دولتی گفته می‌شود که ضعف در مشروعیت و آوردن رفاه و امنیت دارد. اما دارای قدرت قهریه قابل توجه است و از قدرت قهریه خود برای پایان دادن به هر نوع چالش استفاده می‌کند. با وجودی که موفق به حل مشکل می‌شود؛ اما از ضعف آن کاسته نمی‌شود. مثال این نوع دولت‌ها، پاکستان، سریلانکا و بنگلادش است. نداشتن تسلط بر قلمرو و مردم، نشان‌دهنده ضعف حکومت است. وقتی یک حکومت نتواند امنیت، رفاه و خدمات اولیه را به مردم در ساحات دور دست پیشکش کند، شورشیان به آسانی می‌توانند مردم مناطق محروم را در کنار خود جمع کنند.

## شرایط شورش گری

مسأله اساسی در مطالعات شورش گری این است که شورش چرا و چگونه به وقوع می‌پیوندد. چون هر عملی، علل و معلول خود را دارد. معمولاً شورش گری به دلیل ناراضیتهای مردم از حکومت‌ها به وقوع می‌پیوندد. این ناراضیتهای مردم به گروه‌های شورشی پهانه می‌دهد تا حمایت مردم را به دست بیاورند، از شکایت‌ها و رنج‌های مردم استفاده کنند و مردم را بر علیه حکومت‌ها بشورانند. شورشیان تنها از شکایت و ناراضیتهای مردم از حکومت بهره‌برداری نمی‌کنند؛ بلکه آن‌ها کوشش می‌کنند با راه‌اندازی حملات تروریستی بالای نهادهای حکومتی، نامن‌سازی و بدترکردن وضعیت اقتصادی برای مردم ناراضیتهای جدید خلق و زمینه شورش گری را در بین مردم تشدید کنند.

## دو حالت کمک‌کننده به گسترش شورش گری قرار ذیل است:

**فرصت:** در حقیقت شورشیان منتظر فرصت هستند

# تنور تنور و ضد تنور تنور



تا حکومت خطایی را مرتکب شود و آنان از وضعیت پیش آمده بالاترین سود را ببرند. زمانی که دولت توانایی و ظرفیت آوردن رفاه و امنیت را در قلمرو خود نداشته باشد و به ناراضیتهای و شکایات مردم رسیده‌گی نتواند، در این صورت فرصت عدم فرمان‌برداری در بین مردم به وجود می‌آید و مخالفان با استفاده از این ناهنجاری‌ها منافع‌شان را دنبال می‌کنند. هم‌چنان می‌توان یادآور شد که فاصله بین مردم و حکومت در صورتی به وجود می‌آید که نیروهای امنیتی به اشتباه، به دست‌گیری و مجازات کسانی دست بزنند که هیچ ارتباطی با شورشیان نداشته باشند. این عمل اشتباه نیروهای امنیتی باعث بی‌اعتمادی بین مردم و حکومت می‌شود. در این صورت، هم‌کاری مردم نیز با نیروهای امنیتی در پایین‌ترین سطح خود قرار می‌گیرد.

بنابراین ایجاب می‌کند که دولت در چند مورد اقدام کند:

- به شکایات و ناراضیتهای مردم رسیده‌گی کند؛
- دلیل فاصله‌گرفتن مردم از دولت را بفهمد؛
- ظرفیت و توانایی‌های شورشیان را با جمع‌آوری اطلاعات دریابد.

**انگیزه:** برای سازمان‌دهی هر کاری، نیاز است که انگیزه به وجود آید؛ زیرا انگیزه محرک هر نوع حرکت و اقدام است. از این رو رهبران شورشیان همیشه کوشش می‌کنند تا با ایجاد انگیزه، توده‌ها را علیه حکومت بسیج کنند. انگیزه برای شورش گری، می‌تواند تفاوت‌های مذهبی، نژادی، زبانی، ناراضیتهای مردم از حکومت، ناکامی و ضعف نیروهای امنیتی در تأمین امنیت مردم، رفتار توهین‌آمیز نیروهای امنیتی، فساد در دستگاه‌های عدلی و قضایی و حضور نیروهای خارجی باشد. اکثر شورهاها به محور چنین تفاوت‌هایی می‌چرخد.

بارزترین انگیزه‌های شورش گری عبارت است از:

۱. منازعات نژادی، قومی، قبیله‌ای و زبانی؛
۲. بنیادگرایی مذهبی؛
۳. عداوت یک بخش یا قشری از جامعه با شخصیت‌های تأثیرگذار سیاسی، نظامی و اجتماعی؛
۴. سوء اداره، فساد اداری، سرکوب مردم خاص در ادارات دولتی؛ مانند تبعیض سنهالی‌ها در مقابل تامیلی‌ها؛
۵. ناتوانی اقتصادی و فاصله میان طبقات مختلف از لحاظ ثروت؛
۶. ملی‌گرایی.

## روش‌ها

شورشیان برای به دست آوردن اهداف‌شان به روش‌های مختلف متوسل می‌شوند و با استفاده از این شیوه‌ها کوشش می‌کنند تا زمینه تدارکات، تمویل و سایر نیازهای اولیه و ضروری‌شان را مهیا سازند. برای نیل به این اهداف، شورشیان دست به تأسیس سازمان‌های مخفی می‌زنند و به این ترتیب مسیرهای تدارکاتی، سازمان‌دهی قوا، تمویل مالی و جلب و جذب افراد جدید را برای خود فراهم می‌سازند. بنابراین برای نیروهای امنیتی یا نیروهای ضد شورش گری ضروری است تا این موارد را به طور جدی تعقیب کنند و چنین سازمان‌های مخفی شورشیان را که به آن‌ها حیات و عمر بیش‌تر می‌بخشد، پیدا و در بین آن‌ها نفوذ کنند تا از برنامه‌ها و روش‌های‌شان آگاهی یابند و با داشتن اطلاعات دقیق بتوانند شورشیان را به چالش بکشند.

## شیوه‌هایی که شورشیان برای اهداف‌شان انتخاب می‌کنند از این قرار است:

**استخدام نیروی‌های جدید:** جذب نیروهای جدید یکی از اهداف شورشیان است. شورشیان با به‌کاری‌گیری شیوه‌های چون نفوذ در بین مردم، قبایل، خانواده‌ها، ارتباط با سران اقوام و با استفاده از تشویق و ترغیب مردم، کوشش می‌کنند از میان آنان سربازگیری کنند. افزایش نیروهای جنگی اهمیت و تأثیر گسترده‌ای در قدرت شورشیان دارد.

**منابع:** برای پیشبرد هر کاری، نیاز به منابع اقتصادی است. در صورتی که منابع مالی کافی در دست نباشد، با چالش بزرگی مواجه می‌شویم. بنابراین شورشیان نیز ضرورت به منابع دارند تا بتوانند به حیات خویش ادامه دهند و برنامه‌های خویش را به پیش ببرند. از این رو،

شورشیان با استفاده از کشت مواد مخدر در قلمرو تحت اداره شان، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق آثار باستانی، پول‌شویی، استخراج غیرقانونی معادن و دریافت کمک‌های بیرون‌مرزی، خودشان را تمویل می‌کنند.

**استخدام یا جذب اجباری:** شورشیان برای تقویت صفوف خویش دست به جذب افراد به صورت اجباری نیز می‌زنند. در این مورد کوشش می‌کنند زنان، اطفال و جوانان را جذب گروه خود و به شیوه‌های مختلف از آن‌ها استفاده کنند. معمولاً استخدام اجباری از طریق زور، تهدید، گروهان‌گیری اعضای فامیل و ایجاد وحشت صورت می‌گیرد.

**زنان شورشی:** در طول تاریخ، حضور زنان در جنگ‌ها به اندازه مردان پررنگ نبوده است. با این وصف اما حضور محدود آنان در جنگ‌ها همیشه مهم بوده است. بر اساس یک تحقیق، زنان نقش مهم و ارزنده‌ای در مبارزه و حمایت از جنگ داشته‌اند. زنان همانند مردان بنا بر دلایل متعدد به شورشیان می‌پیوندند؛ گاه با اجبار و گاهی هم داوطلبانه. اما بیش‌تر زنان شامل در صفوف شورشیان، مورد تجاوز افراد زورمند قرار گرفته‌اند. زنان داوطلب با اهداف مبارزه برای آزادی و برابری زنان در جامعه، محافظت از زنان، محافظت از فامیل و یا هم دسترسی به مواد غذایی و پیداکردن سرپناه برای فامیل خویش به شورشیان پیوسته‌اند. به طور مثال، دختران و زنان جوان از سراسر جهان به اختیار و میل خویش به گروه داعش پیوستند. هم‌چنان می‌توان به گونه نمونه از تانیا، مشهور به تانیای چریک، یکی از هم‌رزمان چه‌گوارا نام برد که به میل و خواست خود با انقلابیون پیوست و به زعم خودش برای آزادی انسان‌ها از یوغ کاپیتالیست‌ها مبارزه کرد و جان خود را در این راه از دست داد.

شورشیان معمولاً از زنان به عنوان داکتر، پرستار، پیش‌خدمت، برده و یا هم خبررسان و اجراکننده حملات انتحاری استفاده می‌کنند.

## اهداف شورشیان

شورش گری و نافرمانی مدنی را نباید با هم اشتباه گرفت. چون تظاهرات یک سرکشی مدنی است، حتماً اگر مظاهرکننده‌گان اموال مردم را به غارت ببرند، در شهر آشوب ایجاد کنند و از قانون سر باز زنند. در این حالت، می‌توان گفت که یک نافرمانی مدنی از حالت صلح‌آمیز به خشونت کشیده شده است. این یک شورش نیست؛ اما دوام چنین وضعیت می‌تواند منجر به شورش مسلحانه شود. با آن‌که هدف شورشیان سیاسی خوانده می‌شود؛ اما اکثر آنان به دلایلی چون حقارت، تبعیض، عقده‌مندی‌ها و سایر موارد به صفوف شورشی‌ها می‌پیوندند و هدف سیاسی را سرمشق فعالیت‌های خود قرار می‌دهند. شورشیان دارای اهداف مشخصی هستند. اهداف شورشیان را می‌توان نظر به نوع و مختصات شورش‌گری آن‌ها بیان کرد. شورشیان می‌توانند جدایی‌طلبان، افراط‌گرایان مذهبی، تروریست‌ها، اصلاح‌طلبان و گروه‌های دیگر باشند. کسانی که دست به خشونت می‌زنند و حکومت‌های مشروع را تهدید می‌کنند، در حقیقت در پی سرنگونی حکومت‌ها و برقراری حکومت ایده‌آل خودشان هستند. شورشیان در مبارزه خویش دارای اهداف مشخص و تعریف‌شده هستند. اهداف شورشیان را می‌توان به دسته‌های ذیل تقسیم کرد:

**مقاومت:** بعضی از گروه‌های شورشی کوشش

می‌کنند تا حکومت‌ها را وادار کنند که نوع سیاست و حکومت‌داری خود را تغییر دهند. از این جهت است که شورشیان روی خواست‌های پایدار خود چون تغییر افراد سیاسی، مبارزه با فساد، تغییر نظام سیاسی و غیره پافشاری می‌کنند. خواست شورشیان می‌تواند تنها تغییر در نوع حکومت و سیاست‌گذاری نباشد؛ بلکه می‌تواند پایان دادن به حکومت و یا هم بیرون‌راندن نیروهای خارجی باشد که در کشور شان حضور دارند.

**اصلاحات:** بعضی شورشیان در پی سرنگونی و پایان دادن به حکومت‌های خویش نیستند؛ بلکه شرایط و حکومت‌داری ناسالم آن‌ها را وادار به جنگ مسلحانه ساخته است. این نوع شورشیان در ابتدا با تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز و راه‌اندازی نافرمانی‌های مدنی کوشش به آوردن تغییر در نوع حکومت‌داری می‌کنند؛ اما وقتی از جانب مسوولان بلندپایه حکومتی به طور جدی مورد توجه قرار نگرفتند، به اقدامات مسلحانه رو می‌آورند.

شورشیانی که خواهان اصلاحات هستند، هدف آن‌ها آوردن رفیورم در بخش‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، عدلی و قضایی است. در صورتی که دولت به این خواست‌های مردم تمکین کند، شورشیان سلاح خود را به زمین می‌گذارند و به پروسه صلح می‌پیوندند.

**جدایی‌طلبی:** این شکل شورش گری، شامل جدایی‌طلبی از قلمرو مشخص می‌شود؛ مثل بلوچ‌های پاکستان که خواهان استقلال و تشکیل دولت مستقل هستند. هم‌چنان گفته می‌توانیم هدف از تجزیه‌طلبی ایجاد کشور مستقل با هویت جداگانه است. جدایی‌طلبان به طور رسمی خواهان جدایی از سرزمین مادر هستند و می‌خواهند دست به ایجاد یک سرزمین جدید و دولت مستقل با حاکمیت جداگانه بزنند. معمولاً جدایی‌طلبی استوار بر مذهب، نژاد و هویت مستقل است که جدایی‌طلبان می‌خواهند سرزمین مستقل خویش را داشته باشند و سرنوشت‌شان را خود شان رقم بزنند. کسانی که جدایی‌طلب هستند، تنها با شورش گری نمی‌توانند به اهداف خود دست یابند؛ بلکه آن‌ها زمانی می‌توانند به این هدف برسند که بتوانند مردمی را که متعلق به مذهب، نژاد و هویت آن‌ها هستند، کنار خود بکشانند و به مبارزه خود ادامه دهند.

**انقلاب:** «انقلابیون کسانی هستند که کوشش می‌کنند با استفاده از زور، جنگ و مبارزه حکومت‌ها را سقوط دهند و حکومت‌های ایده‌آل خود را بنا سازند و یک نظم جدید سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را پی‌ریزند. هم‌چنان انقلاب‌خواهی، می‌تواند هرگونه کردار، روش، نظریه، یا نگره‌ای باشد که خواهان و پشتیبان تغییر اساسی و کامل در وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی جامعه است.» (آشوری، ۱۳۸۴). به طور مثال، بلشویک‌ها در روسیه با برپایی انقلاب سوسیالیستی به رهبری لنین به امپراتوری تزاری پایان دادند و حکومت بلشویک‌ها را بنا نهادند. انقلاب دارای شش ویژه‌گی است:

۱. تغییر ارزش‌ها و اسطوره‌های جامعه؛
۲. تغییر ساختار اجتماعی؛
۳. تغییر نهادها؛
۴. تغییرات در تشکیل رهبری یا در اعضای گروه نخبه یا ترکیب طبقاتی آن؛
۵. انتقال غیرقانونی و غیرمشروع قدرت؛
۶. حضور یا تسلط رفتار خشن و رویدادهای که به سقوط رژیم منجر می‌شود.

ادامه دارد...



# جنگ در اولیر گام در ب مکاتب را می بندد



هما همتا

وقتی قلم و کاغذ را در دستم می‌بینند، شتابان به سمت می‌آیند و اسم‌شان را می‌گویند: «آصفه استم بنت جمعه‌خان. ای هم حبیبه اس بنت عبدالمنان.» برقع/چادری‌شان را از روی صورت‌شان برمی‌دارند و انتظار دارند مشخصات‌شان را بنویسم تا کمک دریافت کنند. لحظاتی می‌گذرد و چند زن دیگر هم اطرافم را می‌گیرند. آن‌ها فکر می‌کنند من این‌جا آمده‌ام تا برای‌شان کمک مالی کنم. نومیدانه به آن‌ها نگاه می‌کنم و شرمنده از این‌که کاری از دست ما ساخته نیست، فقط تلاش می‌کنیم اطلاع‌رسانی کنیم و صدای رسای قربانیان فراموش شده جنگ باشیم.

این زن‌ها هرکدام بی‌جاشده‌گان ولایت‌های فاریاب، جوزجان و بعضی از ولسوالی‌های ولایت بلخ هستند. مدتی می‌شود که به مزارشرف کوچیده‌اند تا جان‌شان را از جنگ نجات دهند. مانند آن‌ها صدها خانواده دیگر نیز هستند که دست نامهربان جنگ آن‌ها را مجبور به ترک خانه‌های‌شان کرده است. می‌گویم خانم، ما برای کمک مالی نیامده‌ایم؛ من از یک رسانه آمده‌ام تا با شما حرف بزنم.

در یکی از کوچه‌های کمپ بی‌جاشده‌گان ولایت‌های شمالی در قبل از ظهري که هوا به سمت سرد شدن می‌رود، پای حرف‌های چند زن می‌نشینم. خانم حبیبه به حرف زدن شروع می‌کند. او می‌گوید وقتی شما را دیدیم که این‌جا ایستاده‌اید و با آقای گل‌خان، نماینده

بی‌جاشده‌گان صحبت می‌کنید، تصور کردیم که برای سروی آمده باشید، به همین دلیل با عجله خود را به شما رساندیم تا اگر کمکی داده می‌شود، ما از قلم نیفتیم.

در طول چند ماه گذشته آن‌ها هیچ‌گونه کمکی دریافت نکرده‌اند. خانم حبیبه بر حافظه‌اش فشار می‌آورد و می‌گوید که آخرین بار در عید قربان کسی به آن‌ها چند تکه گوشت آورده است. او مادر پنج پسر و چهار دختر است و از ولسوالی چمتال ولایت بلخ به این‌جا آمده است. به جایی، آن طرف‌تر به داخل کمپ اشاره می‌کند و می‌گوید: «خانه‌ام آن‌جا است. کودکانم در خانه منتظر اند.» وقتی می‌گوید کودکانم منتظر اند، با خود فکر می‌کنم که شاید برای آن‌ها گفته است کسی به کمپ آمده تا برای مردم کمک کند، می‌روم تا برای‌تان لقمه نانی بیاورم. درمانده‌گی زنی که نه کودک گرسنه منتظرش هستند، روی دوشم سنگینی می‌کند. خانم‌های که آن‌ها زنده‌گی می‌کنند را باید ماهانه دو هزار افغانی کرایه بدهند. همسرش شغل آزاد دارد و دست‌مزد روزانه‌اش ۲۰۰ تا ۲۵۰ افغانی است. در کنار او، یکی از کودکانش نیز کار می‌کند. می‌گوید: «پسرم در مارکیت میوه‌فروشی می‌رود و برای دوکان‌دارها میوه جابه‌جا می‌کند.» بعد از این حرف، به شانه‌های نحیف کودک‌کی فکر می‌کنم که جعبه‌های میوه را در یکی از پرازدحام‌ترین مارکیت‌های مزارشرف جابه‌جا می‌کند؛ کودک‌کی که چند ماه قبل به مکتب می‌رفت و مطمئناً رویاهای قشنگی برای روزهای آینده‌اش داشت. چه کسی از کودک‌کاتی خبر دارد که در گوشه‌های مختلف

افغانستان از رویاهای‌شان دست کشیده‌اند و قلبی که روزی جای قشنگ‌ترین تصورات بود، خانه نگرانی‌ها و تشویش‌ها است.

خانم حبیبه، باشنده ولسوالی چمتال است. خبرهای ناگواری از این ولسوالی همواره به گوش می‌رسید. خانم حبیبه می‌گوید راکتی را که طالبان شلیک کرده بود، به خانه آن‌ها اصابت کرد. خانه‌ای که سال‌ها در آن زنده‌گی کردند، با فشار دستی که شلیک کرد، در چند لحظه به ویرانه‌ای مبدل شد.

او از روزهای تلخی حرف می‌زند که طالبان به ولسوالی چمتال آمدند و زنده‌گی را برای باشنده‌های آن دشوار کردند. در سراسر کمپ وقتی با بی‌جاشده‌گان صحبت کردیم، نخستین حرفی که داشتند، این بود که طالبان مکتب‌ها را به روی فرزندان‌شان بستند. در هر جایی که طالبان حمله می‌کنند، نخستین هدف‌شان مراکز آموزشی است و این مراکز را به روی دانش‌آموزان می‌بندند.

فرزندان خانم حبیبه نیز از این قاعده مستثنا نبوده‌اند و با بدو ورود طالبان به چمتال دیگر نتوانسته‌اند به مکتب بروند. خانم حبیبه می‌گوید با این تصور از چمتال بیرون شده که شاید بتوانیم در مزارشرف زنده‌گی جدیدی را شروع کنیم و به نسبت داشتن امنیت مناسب آن‌جا دوباره کودکان‌مان بتوانند به مکتب بروند؛ اما همه چیز در تقابل با تصورات آن‌ها پیش می‌رود و روزهای زنده‌گی در مزار سخت‌ترین روزها برای او و خانواده‌اش است. خانم حبیبه می‌گوید که شنیده‌ام امسال زمستان سختی پیش رو است. «مو به تنم سیخ می‌شه. ده



شرایطی که نان خوردن خوده پیدا نمی‌تائیم، چطو مواد سوخت خوده پیدا کنیم؟ با کدام امکانات؟»

خانم حبیبه و زن‌های دیگری که در اطرافم نشسته‌اند، به روند صلح امید ندارند. آن‌ها می‌گویند که طالبان همه داشته‌های‌شان را از آن‌ها گرفته‌اند، با این وصف، به کجای گفت‌وگوهای صلح باید خوش‌بین باشند!

گفت‌وگوهای صلح با طالبان در حالی دوباره از سر گرفته شده است که حکومت افغانستان خواستار آتش‌بس است، اما طالبان نه تنها به برقراری آتش‌بس تن نمی‌دهند، بلکه خشونت را کاهش هم نداده‌اند.

موتور می‌آید و ما از کمپ بیرون می‌شویم. حبیبه‌های زیادی را با روایت‌های دردناک‌شان پشت سر می‌گذاریم و به سمت قربانی‌های دیگری می‌رویم که جنگ زخم‌هایی را بر جسم و روان‌شان برجای گذاشته است.

## نئومرکانتلیسم یا اقتصاد لیبرال؛

## بازار افغانستان چه می‌گوید؟



فرهاد حمیدی

شکندگی توسعه و رشد اقتصادی در کشورهای با اقتصاد وابسته و تولید ایستا، منبعت از عوامل داخلی نامطلوبی چون ناامنی است. این مهم، «سود اقتصادی» را به قهقرا هدایت می‌کند؛ نتیجه اما شکندگی روانی سرمایه‌دار برای سرمایه‌گذاری است. به روایت دیگر، سرمایه‌دار، سرمایه تولیدی جهت تولید سرمایه مصرفی را در سرزمینی که بنگاه به تولید متمایل نیست و عرضه، تقاضایی ندارد، مصرف نمی‌کند. اقتصاد افغانستان پسا بن، از این مهم رنج می‌برد.

به فحوای تاریخ، دولت‌های پسا رنسانس و کشف‌های جغرافی، منابع مالی بهتر را نقطه اتکا دانسته و با ابتنا بر آن، در پی افزایش درآمد ناخالص بوده‌اند. سیاست‌هایی که به صورت موسمی مورد استفاده قرار گرفت و بازار را به تمکین از آن واداشت؛ گاه تورم را خلق کرد و گاه نتیجه‌ای جز رکود در پی نداشت.

بحث اول - دکترین اقتصاد مرکانتلیستی در پرتغال، اسپانیا، فرانسه و انگلستان، منبعت دکترین کشورهای استعماری، نخستین طرح سیاسی را بین قرن‌های ۱۶ و ۱۷ در اروپا رواج داد و دولت‌ها برای دست‌یازیدن هرچه بیشتر به منابع طلا از آن پیروی می‌کردند. بر اساس این دیدگاه، مطلوبیت یک کشور در ارتباط با تجارت خارجی آن است، تا کشور بتواند صادرات خود را

افزایش و واردات خود را کاهش دهد و به تراز تجارتي مثبت دست یابد. در این سلسله، فودالیسم حذف شد و بازار تجارت از شکل سنتی قالب زراندوزی گرفت و برای نخستین بار بازار کارایی مستقل را برای اندوختن ثروت به کار بست. این سلسله تا زمان طبیعیون ریشه دوآند. طبیعیون با پیش‌شرط فهم زمین منبعت «منشا ثروت»، دکترین اقتصاد زراعتی را در فرانسه اساس گذاشتند. فهم طبیعیون اما شکست اقتصاد تجارتي را در پی داشت. به روایت دیگر، کرنش بازار از اقتصاد زراعتی و خنثا دانستن تجارت منبعت عمل اقتصادی، یکی از مراحل توسعه اقتصادی به نقل از «لیست» را حذف کرد. این سیاست با «ثروت ملل»، یعنی بزرگ‌ترین مانیفست اقتصادی تاریخ، حذف و اقتصاد لیبرال اساس‌گذاری شد.

### تفکیک سه دوره اقتصاد لیبرال

موج یکم: لیبرالیسم کلاسیک با تأکید و تبصره بر آزادی‌های منفی؛

موج دوم: دموکراسی لیبرال با تأکید و تبصره بر آزادی مثبت و حکومت‌های رفاه؛

موج سوم: نئولیبرالیسم با ارجاع به لیبرالیسم کلاسیک و تأکید بر آزادی منفی و خوانش این مهم منبعت

مفهوم انتزاعی و تأکید بر رقابت و حذف عدالت. بحث دوم - اقتصاد دولتی سیستم سوسیالیستی با حذف باورهای لیبرال؛

بحث سوم - سیاست اقتصادی مختلط مبتنی بر آرای کینز؛

نظریه نئومرکانتلیسم در پهلوی این‌که اهمیت بازار آزاد در دیدگاه لیبرالیسم را می‌پذیرد، بیش‌تر به ساز و کارهای بازار و دولت تمرکز دارد.

افغانستان پیشا کودتای ثور، از نظام اقتصادی مختلط استفاده می‌کرد. پسان‌تر در زمان حکومت چپ، سمت و سوی اقتصاد دولتی تغییر کرد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، سیاست اقتصادی افغانستان در حلاء مدیریتی قرار گرفت. در بحبوحه جنگ‌های داخلی، اقتصاد افغانستان از هیچ نوعی از سیستم‌های اقتصادی پیروی نمی‌کرد و تورم در سراسر دهه ۱۹۹۰ هژمون اقتصادی این سرزمین می‌نمود. در افغانستان پسا بن و با تسوید اقتصاد بازار و تأکید بر اقتصاد بازار، در دهمین و یازدهمین ماده قانون اساسی، سیستم اقتصاد نئولیبرال در افغانستان آغاز به فعالیت کرد.

در شرایط فعلی بیش‌تر و یا اکثر سیاست‌های اقتصادی، مبتنی بر سیاست‌های لیبرال طرح می‌شود. با حمایت

سازمان تجارت جهانی و کوشش بر تمکین دولت - ملت‌ها از سیاست لیبرال و حذف تعرفه‌های گمرکی جهت زمینه‌سازی تجارت، کثیر سیاست‌گذاری‌ها بر پایه اقتصاد بازار شکل و شمایل می‌گیرد.

این نوشته در پی آن است تا بر وجود حداقلی نئومرکانتلیسم در تجارت جهانی صحه گمارد. عمده‌ترین تمثال این مهم، ارزش در بحبوحه همه‌گیری پاندمی کرونا است. نفت؛ انرژی در تیررس کشورها اما ارزش آن در این دوره با کاهش عمیقی روبه‌رو شد. در سوی دیگری، دولت‌ها در پی افزایش منابع استراتژیک نفتی خود، با اتکا به سیاست نئومرکانتلیسم، نبودند. به همین طبع و مصداق، کشورهای عضو سازمان اوپک با کاهش قیمت تجارتي نفت، چارچوب دیگری را اساس نهادند و آن حذف جایگاه نفت، حداقل در شمایل موسمی و مقطعی، از هرم اقتصاد و خارج‌نمودن نفت از لیست ابزار مهم اقتصادی است؛ زیرا تبادل مواد انرژی‌زا، تابع سیاست روز است که ذیل مجموع سازمان‌های بزرگ ذی‌ربط و ذی‌نفع، تعیین ارزش می‌شود.

در نتیجه، سیاست اقتصادی افغانستان بیش‌تر آن‌که واقعی به نئومرکانتلیسم داشته باشد، بیش‌تر از جوی‌بارهای لیبرالیسم سرچشمه می‌گیرد و خون لیبرالیسم در نظام اقتصادی کشور در جریان است.

## اعلان مجدد دعوت به داوطلبی

ریاست عمومی شرکت آبرسانی و کانالیزاسیون شهری افغانستان از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی تدارک دو قلم تیل دیزل و پترول مورد ضرورت ریاست عمومی شرکت آبرسانی و کانالیزاسیون شهری افغانستان از بابت سال مالی ۱۴۰۰ که تحت شماره داوطلبی REBID/AUWSSC/1400/NCB/G/001 می‌باشد، اشتراک نموده و نقل چاپ شده شرطنامه مربوط را در مقابل پرداخت مبلغ ۵۰۰ پنج صد افغانی از ریاست تدارکات بدست آورده و آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز‌العمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ بجة قبل ازظهر روز چهارشنبه تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۹۹ به ریاست عمومی شرکت آبرسانی و کانالیزاسیون شهری افغانستان واقع سر تپه کارته نو ناحیه هشتم شهر کابل ارائه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنتی به هیچ وجه قابل پذیرش نمی‌باشند،

تضمین آفر بصورت گرانتی خط بانکی یا پول نقد مبلغ ۵۸,۰۰۰,۰۰۰ پنجاه و هشت هزار افغانی بوده و جلسه آفرگشائی بروز چهارشنبه ساعت ۱۰:۰۰ بجة قبل ازظهر مؤرخ ۱۰/۱۰/۱۳۹۹ در اتاق کنفرانس های ریاست عمومی آبرسانی و کانالیزاسیون شهری افغانستان در طبقه سوم تودور می‌گردد.



روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com  
مدیرمسول: مجیب مهرداد mujib\_mehrdad@yahoo.com  
سرپرست: خلیل اشرف 8am.daily@gmail.com  
دبیر گزارش‌ها: حبیب بهش  
دبیر بخش خبر: علی شاه حقمیل  
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای  
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com  
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib\_mehrdad@yahoo.com  
Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/HashteSubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af

دبیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر  
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعیب حکیمی، پرویز کامروز


ویراستاران: علی نظری، اسحق علی احساس  
صفحه آرای: رضا مرادی  
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹  
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان  
نشانی دفتر کابل: تایمینی، کابل، افغانستان  
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

### بانکداری اینترنتی عزیزی بانک

با استفاده از بانکداری اینترنتی عزیزی بانک بخش وسیعی از معاملات مالی تان را از خانه و یا محل کار تان، با خاطر آسوده و راحت، انجام دهید.

عزیزی بانک افتخار دارد که ضمن خدمات بانکداری اینترنتی انفرادی، نمونه شرکتی را نیز با ویژگیهای وسیعی نایل برای مشتریان گرامی خویش پیشکش مینماید:

- انجام معاملات جمعی در حسابات بانکی عزیزی بانک در یک وقت
- تایید معاملات توسط چندین صلاحیتدار حساب به شکل سلسله مراتب
- تایید معاملات گروهی توسط هر یک از صلاحیتدار حساب



عزیزی بانک  
Azizi Bank

## سازمان ملل متحد از روسیه خواست که از کریمیه خارج شود



به گزارش یورونیوز فارسی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز سه شنبه، ۱۸ قوس (۸ دسامبر) با تصویب قطعنامه‌ای از روسیه خواست تا به طور کامل، در اسرع وقت و بدون قید و شرط، از شبه جزیره کریمیه اوکراین خارج شود.

این قطعنامه که در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، از روسیه می‌خواهد تا به «اشغال موقت این بخش از اوکراین» که سال ۲۰۱۴ آن را ضمیمه خاک خود کرد، پایان دهد.

سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای که در راستای تصویب این قطعنامه غیرالزام‌آور منتشر کرد، آورده است: «از فدراسیون روسیه به عنوان قدرت اشغالگر خواسته می‌شود تا فوراً، به طور کامل و بدون شرط نیروهای نظامی خود را از کریمیه خارج کند و به اشغال موقت این بخش از خاک اوکراین پایان دهد.»

به رغم آن که این قطعنامه فاقد وجه الزام‌آور است، اما به سبب آن که از سوی دست کم ۴۰ کشور از جمله ایالات متحده آمریکا، فرانسه، آلمان، بریتانیا، کانادا، استرالیا، کشورهای بالتیک و ترکیه پیشنهاد شده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این قطعنامه هم‌چنین روسیه به انتقال تجهیزات و سامانه‌های نظامی پیشرفته، به خصوص استقرار جنگنده‌هایی با قابلیت حمل موشک و بمب هسته‌ای در خاک اوکراین، متهم و این اقدام به عنوان عاملی برای تشدید بی‌ثباتی در شبه جزیره کریمیه محکوم شده است. سفیر اوکراین در سازمان ملل متحد ضمن ارایه بیانیه تدوین شده در این خصوص، تأکید کرد که روسیه با اشغال کریمیه حقوق و قوانین بین‌المللی را نقض کرده و «صلح و امنیت را فراتر از منطقه دریای سیاه» با تهدید و خطر روبه‌رو کرده است.

این در حالی است که نماینده روسیه در سازمان ملل با «سیاسی» قلمداد کردن این قطعنامه یادآور شد که مردم کریمیه پیش‌تر با همه‌پرسی درباره آینده خود تصمیم‌گیری کرده‌اند.

تنش میان کی‌یف و مسکو پس از اشغال شبه جزیره کریمیه در سال ۲۰۱۴ و سپس ضمیمه آن به خاک روسیه، بالا گرفت.

پس از الحاق شبه جزیره کریمیه به خاک روسیه بخش‌های بزرگی از ولایت‌های لوهانسک و دونتسک در شرق اوکراین نیز تحت کنترل جدایی طلبان تحت حمایت مسکو درآمدند.

کی‌یف همواره اعلام کرده که هرگز تن به اشغال کریمیه و دونباس نخواهد داد و به تلاش برای بازگردان مناطق تحت اشغال در شرق اوکراین ادامه می‌دهد. اوکراین هم‌چنین روسیه را مسبب و مقصر خشونت‌هایی دانسته که به واسطه حضور جدایی طلبان در شرق این کشور روی می‌دهد.

در یک همه‌پرسی که سال ۲۰۱۴ در کریمیه برگزار شد، ۹۳ درصد رای‌دهنده‌گان موافقت خود را با الحاق این سرزمین به خاک روسیه اعلام کردند.

روند الحاق شبه جزیره کریمیه به روسیه، سپس با امضای سندی در هجدهم مارچ همین سال توسط ولادیمیر پوتین رسمیت یافت.

ایالات متحده، ترکیه و برخی دیگر از کشورها از جمله قدرت‌های اروپایی، همواره الحاق شبه جزیره کریمیه به خاک روسیه را غیرقانونی خوانده و آن را اشغال نظامی این منطقه توسط مسکو قلمداد کرده‌اند.

## تظاهرات ضد دولتی در عراق به خشونت کشیده شد



اقدام به شلیک گلوله کردند. یک منبع آگاه در شفاخانه چمچمال به خبرگزاری فرانسه گفت: «هرد ۲۶ ساله‌ای از ناحیه قفسه سینه مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت و دو نفر دیگر نیز زخمی و مجروح شدند.»

به گفته یک منبع امنیتی، در روزهای اخیر دهها معترض در منطقه سلیمانیه بازداشت شده‌اند. با وجود افزایش تجمعات اعتراضی در ولسوالی‌های اطراف، اعتراضات در شهر اصلی سلیمانیه به دلیل تدابیر شدید امنیتی چندان گسترده نبوده است.

اواخر ماه قوس سال ۱۳۹۶، در تظاهراتی مشابه در سلیمانیه عراق، پنج نفر بر اثر تیراندازی مأموران امنیتی کشته شدند. در جریان تظاهرات سه سال پیش نیز، معترضان ساختمان شهرداری سلیمانیه و دفاتر احزاب سیاسی را به آتش کشیده و خواستار استعفای دولت اقلیم شده بودند.

خبرگزاری فرانسه به نقل از یک منبع آگاه گزارش داد که پس از به خشونت کشیده شدن تظاهرات روز دوشنبه در اقلیم کردستان عراق، یک معترض ۲۶ ساله در پی اصابت گلوله نیروهای امنیتی به قفسه سینه‌اش، جان باخت.

در روزهای اخیر، اعتراضات ضد دولتی در اقلیم کردستان به دنبال کاهش چندماهه معاش بخش دولتی و دست‌مزد‌های معوقه شکل گرفته است. به نقل از رادیو فردا، معترضان در خارج از مقر حزب دموکرات کردستان (کادپ)، رقیب اصلی اتحادیه میهنی کردستان و احزاب کوچک‌تر، در برخی نواحی منطقه سلیمانیه تجمع کرده‌اند.

گزارش‌های رسیده حاکی است که بعد از ظهر روز دوشنبه، ۱۷ قوس، نیروهای امنیتی هنگام حفاظت از مجموعه‌ای از دفاتر احزاب سیاسی در ولسوالی «چمچمال» برای پراگنده کردن تظاهرکننده‌گان

## نخست‌وزیر رومانی استعفا کرد



فعالیت خواهد کرد. با وجود پیش‌تازی سوسیالیست‌ها، لیبرال‌ها و اصلاح‌طلبان رومانی دولت را واگذار نمی‌کنند.

پیش‌تر آقای اوربان که حزب تحت رهبری‌اش نزدیک به ۲۵ درصد آرای عمومی را کسب کرده، اعلام کرده بود که به زودی مذاکره خود را برای تشکیل دولت جدید را با ائتلاف اصلاح‌طلبان (PUSR-Plus) که حدود ۱۵ درصد آرا را به خود اختصاص داده، آغاز خواهد کرد.

در انتخابات سراسری روز یکشنبه رومانی، دو حزب ناسیونالیست (AUR) و حزب اقلیت مجارستان (UDMR) نیز به ترتیب ۹ و ۶ درصد آرا را کسب کرده‌اند. حزب اقلیت مجارستان که پیش‌تر نیز در دولت‌های ائتلافی راست میانه حضور داشته، از قصدش برای مذاکره با آقای اوربان خبر داده است.

آقای اوربان از سال ۲۰۱۹ و در پی سقوط دولت سوسیالیست دموکرات به دلیل رسوایی‌های مالی که با انتقاد شدید اتحادیه اروپا نیز مواجه شد، به عنوان نخست‌وزیر رومانی منصوب شده بود. آقای اوربان از جمله سیاستمداران طرفدار اتحادیه اروپا به شمار می‌رود و در مقابل حزب سوسیالیست دموکرات طرفدار توسعه روابط با روسیه و دولت راست افراطی مجارستان است.

به گزارش یورونیوز فارسی، لودوویچ اوربان، نخست‌وزیر رومانی، پس از شکست حزب راست میانه در مقابل سوسیالیست‌ها، از سمتش استعفا کرد.

آقای اوربان به عنوان رهبر حزب لیبرال ملی (PNL) در حالی استعفایش را اعلام کرد که حزب چپ‌گرای مخالف او تنها حدود ۳۰ درصد آرای انتخابات پارلمانی رومانی را کسب کرده و هنوز در مورد امکان تشکیل دولت توسط این حزب تردیدهای جدی وجود دارد.

با این حال، نخست‌وزیر رومانی در سخنرانی تلویزیونی‌اش گفت: «من منافع رومانی را بالاتر از منافع حزبی و شخصی خود می‌دانم.» البته او تصریح کرد که فعلاً لازم است بدون داشتن سمتی بر مذاکرات حزب لیبرال ملی برای حصول به ائتلافی حداکثری در پارلمان متمرکز شد.

آقای اوربان هم‌چنین احتمال هرگونه ائتلافی با حزب سوسیالیست دموکرات (PSD) را منتفی دانست و تأکید کرد که اجازه نخواهد داد این حزب پوپولیست به رومانی آسیب برساند.

مطابق قوانین رومانی، کابینه آقای اوربان به مدت ۴۵ روز و تا زمان جای‌گزینی کابینه جدید می‌تواند به عنوان سرپرست در سمت خود باقی بماند. تا آن زمان، نیکولای چوکا، وزیر فعلی دفاع، با حکم کلائوس یوهانیس، رئیس‌جمهور رومانی به عنوان نخست‌وزیر

## جو بایدن یک جنرال سیاه‌پوست را نامزد وزارت دفاع می‌کند

به گزارش دویچه‌وله فارسی، جو بایدن قصد دارد جنرال بازنشسته لوید آستین را به عنوان وزیر دفاع کابینه خود معرفی کند. در صورت تأیید این انتصاب توسط کنگره، جنرال آستین نخستین سیاه‌پوست در تاریخ آمریکا خواهد بود که ریاست پنتاگون را برعهده می‌گیرد.

رسانه‌های امریکایی گزارش داده‌اند که جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، در نظر دارد تا جنرال لوید آستین را به عنوان وزیر دفاع کابینه‌اش برگزیند. طبق این گزارش‌ها بایدن قصد دارد این انتصاب را به طور رسمی در هفته جاری اعلام کند.

جنرال آستین ۶۷ ساله در صورت تأیید کنگره، نخستین سیاه‌پوست در تاریخ آمریکا خواهد بود که ریاست پنتاگون را برعهده می‌گیرد. او از سال ۲۰۱۳ تا زمان بازنشستگی‌اش در سال ۲۰۱۶ فرماندهی ستاد کل نیروهای ارتش آمریکا در منطقه خاورمیانه، شرق آفریقا و آسیای مرکزی را برعهده داشت. جنرال آستین پس از این که رسماً توسط بایدن برای تصدی ریاست پنتاگون نامزد شود، باید هم از مجلس سنا و هم از مجلس نماینده‌گان رأی اعتماد کسب کند.

طبق قوانین آمریکا کارکنان نظامی بازنشسته پیش از تصدی منصب وزارت دفاع باید یک بازه انتظار هفت‌ساله را سپری کنند. در صورتی که این بازه کم‌تر از هفت سال باشد، برای نامزدی در این سمت نیاز به اخذ اجازه ویژه است. زمان خروج جنرال آستین از پنتاگون نیز کم‌تر از هفت سال بوده و برای همین او نیاز به کسب این اجازه دارد که در اصل معافیت از یک لایحه امنیتی است. جنرال جیمز متیس، وزیر دفاع کابینه دونالد ترامپ، نیز در سال ۲۰۱۷ از همین طریق به پنتاگون رسید.

جو بایدن هم‌چنین در نظر دارد تا خاویر بسرا، دادستان کل کالیفرنیا را به عنوان وزیر بهداشت کابینه خود معرفی کند. بسرا ۶۲ سال دارد و نخستین فرد لاتین‌تبار در تاریخ آمریکا خواهد بود که ریاست وزارت بهداشت را در دست خواهد گرفت.

او در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما به طور فعال در تلاش‌ها برای اجرایی شدن برنامه بیمه درمانی موسوم به «اوباما کر» (Obamacare) مشارکت داشت.

آنتونی فاوچی، مشاور کاخ سفید در کارگروه مقابله با ویروس کرونا، نیز قرار است پس از ورود بایدن به کاخ سفید در سمت خود باقی بماند. فاوچی یکی از چهره‌های معتبر علمی آمریکا به شمار می‌رود.

بایدن هم‌چنین شماری دیگر از اعضای تیم ویژه‌اش برای مقابله با بیماری کووید-۱۹ را انتخاب کرده است. او در هنگام اعلام این خبر تأکید کرده که تیم منصوب او متشکل از گروهی از متخصصان و کارشناسان بهداشت، تمام تلاش خود را برای «توزیع مطمئن، رایگان و عادلانه» واکسین کووید-۱۹ در کشور به کار خواهد بست.

